

که سدرالملک داده همین کتابخانه را رسیت داده و هفته سه روز برای بذیرانی قانونی مفتوح است ولی با این ترتیبات کتب بیار رفته از کتابخانه آقایان بیرون نخواهد آمد

آشیزخانه خدام آستانه

این آشیزخانه که سالی ۱۵ الی ۱۸ هزار تومان از پول مخصوص زوار و سایر محل های وقفیه که واقین ابدآراضی نیستند صرف میشود، روسای این آشیزخانه مبلغ مذکور را از آستانه مقدسه اخذ نموده و اقل قبلی که عبارت از دو هزار تومان باشد صرف مینماید و مابقی را به صندوقخانه مبارکه خویش میبرد و چنانچه ذکر شد صرف منیبات شرعیه میشود

(آشیزخانه زوار آستانه)

روسای آشیزخانه زواری که سالی ۲۰ هزار تومان از آستانه برای مطبوعات آن میگیرند و نیز بیشتر از سه هزار تومان صرف مطبوعات نمی نمایند تتمه بصندوق خانه رئیس آشیزخانه و سایر اجزاء آن میرود و به زوار بپاره عوض شام بخش میدهند

(اداره تعمیر آستانه)

این اداره بزسالی ۳ الی ۴ هزار تومان موقوفه دارد که نیز صرف تعمیرات شخصی میشود و برای صورت ظاهر نیز اقلایستی و بلندی سنگ فرشهای محن مقدس را درست و مرمت نمی نمایند

(موقوفه روشنائی - و دستگاه چراغ برق)

مصارف روشنائی آستانه از ۱۵ الی ۲۰ هزار تومان است که محل موقوفه دارد و باید صرف روشنائی محن و حرم بشود و اضافه آن را صرف اعانه زواری که از دور و نزدیک با آستانه مقدسه حشرف میشوند بشود، حایه از ۴ الی ۵ هزار تومان صرف روشنائی شده و مابقی خرج تعمیرات خدلم و دربان کدیک و اطرایان منت خور میشود دستگاه چراغ برق را که مدفراالدین شاه مرحوم به ۱۲ هزار تومان توسط معاون الدوله خریده و با هزار زحمت به تحویل آستانه مقدسه داده شده، و دستگاه چراغ برق را که ایضاً مازالدین شاه بتوسط تاجر بانی به هشت هزار تومان خریده و این دو دستگاه بکن است که با اضافه چراغ های آستانه به روشنائی آستانه و روشنائی حرم

از سوء یحركات اهالی آستانه که در تعطیل او بعضی مدخل ها از شمع دزدی وغیره پیدا نمایند این دو دستگاه را تعطیل نموده و کان لم یکن سالی مبالغی پول آستانه را بتوسط خریدن شمع بخارجه میفرستند، مالاخره از تمام عایدات آستانه مقدسه که صد ویست هزار تومان نقد و تقریباً دوازده هزار خروارجنی است اقلایست هزار تومان بمصارف لازمه نمیرسد

ایضاً

قاسم آباد که صد سال ملك طلق اولاد (روش خان) بوده و چندی است که منطلق به محمد ابراهیم خان است و خود محمد ابراهیم خان که از خانواده بزرگ و محیب این ولایت است همراه شجاع الدوله به مشهد رفته و در چند سال قبل شجاع الدوله این املاک را به ملك التجار قباله کرده بود، لاکن وجه ملك التجار را مسترد ساخته و بیع را باطل کرده بودند، قباله در دست ملك التجار میماند با آسکه صد سال است این املاک در تصرف اولاد روشن خان و سند شرعی از جمیع علماء و آقایان در دست محمد ابراهیم خان است، ملك التجار دو عدلیه مشتبیه نموده و حکمی صادر کرده و چند نفر ترك خدا شناس با سیصد نفر بربری که از رعایای خود ملك التجار اند میفرستند حرمه جیاول و غارت قاسم آباد، این جمعیت خدا شناس سه ساعت به صبح ماده که تمام مردم خواب بوده اند حمله نموده و شلیک مینمایند که چند نفر زنان حامله اولاد سقط کرده و چند نفر را مقتول کرده و حمله به خانه محمد ابراهیم خان میبرند، آنچه اساس الیبت داشته رعایت کرده که عیال و اطال بپاره روی کاه میجوایند، محمد ابراهیم خان که این خبر می شود از مشهد به قوچان آمده و در تلگرافخانه منحصن و باولایای دولت عارض شده رئیس عدلیه و رئیس سلمیه قوچان با چند نفر علماء حرمه تحقیق به قاسم آباد میروند و تصدیق مینمایند که ظلم بزرگی به حکم ملك التجار به محمد ابراهیم خان و رعایای قاسم آباد شده، و پس از مبالغی مخارج محاربات تلگراف و عرض حال به اولیای دولت ابدآ در صدد احقاق برنیامده اند

(حبل المتین)

اگرچه ما نمیتوانیم تصدیق صدق و کذب مکتوب بخونی را نامم لاکن چون مکتوب مذکور دارای

امضاء و امبار بسیار است از درج آت مضایقه نکردیم . هیتقدر میگوئیم که ظلم های مستبدانه در این دوره نروایت نباید بشود و مخصوص خاطر لولیسای امور را معطوف مینمایم که پس از تحقیق جلوگیری سخت از این حرکات مستبدانه بل و حشیهانه نموده باشند

۱۰۰۰ مسهد پیچید

در مشهد چند شب مجلس تئاتری دایر شد و تقریباً دوست تومان باهط فروخته شده بود مؤسسه تیاتر از اتباع روس بودند - از طرف آقا زاده عدس شد که ایرانیان بدان تیاتر بروید حال آسکه تیاتر اخلاقی بود و برای مشهبدیان بسیار مافیع بود ریاست قشون خراسان در ترتب و تنظیم قشون بسیار حامد و سعی است - هر روزه در ارگ دوتی تقریباً سیصد نفر را مشق میدهند و طرف عصر بز عده از موزیکانچیان تربیت شده در ارگ موزیک مینوازند، چندی قبل مقدار کافی تشنگ و فشنگ برای خراسان از طهران حمل شده بود دریافت و جزه ذخیره گردید

قشون روس کامی السابق در مشهد اقامت دارند هر روزه از شهر خارج شده و تا يك فرسخ از اطراف شهر را گردش میکنند - خراسانیان برای اقامت قشون روس مراسم عید نوروز را بانگله از صرف شیرینی و بار دید و غیره متارکه نمودند - قزاقها از اجحاف و درشتی بز فرو گذار نمی نمایند

سالار خاں بلوچ را که چندی قبل ریاست قشون برای دستگیری مشارالیه رفته بود و فرار بطران کرد در طهران سلب مسئولیت و مقصری را از خود مینماید و میگوید در خصوص نهب اموال شجاع الملك محرك من دیگران بوده اند، نیز ده هزار تومان از آن اموال منبوه بیکی از آقایان مشهد داده ام که همه خراسانیان شاهدند، پس چرا باید پول بیکه دیگران رود ومن مشول باشم مدرسه آستانه مبارکه به همت آقای صدرالمالک متولی باشی در دار التولیه تشکیک و تأسیس شد . رؤسای ادارات و رجال و اعیان شهر رای تبریک این مدرسه حاضر شده بودند، بسیار مجلس عالی و باشکوهی بود . یکی از معلمین

خطابه ذیلرا بتعلیم آقا شیخ ابوالقاسم نحوی قرائت نمود .

(بسم الله الرحمن الرحيم)

حمد یجد شکر و سباس بیحد مخصوص ذات حضرت واجب الوجودی است که اکلیل جلیل سلطنت وجهایان را بفر و فیروزی بقامت با قابلیت شاهنشاه مشروطه ایران اعلیه حضرت السلطان احمد شاه قاجار لا زالت ایام سلطنته اقتداراً بوشاید و این ملت در مانده در بیغوله های ظلمت بی علمی را از چنگال قهارانه امریمن نشان مستبد رهانید، بشکرانه این همت عطمی وموهبت کبری . سزد که از صمیم قلب بگوئیم . زنده باد حجج اسلام ، زنده باد اعلیه حضرت سلطان احمد شاه قاجار ، زنده باد امانا ووکلای ما ملت ایران ، سبس ما کودکان و متعلمین دبستان صدریه سادات که مدتی بود اوقات عزیز و عمر گران های خود را به سپرده گذرانیده و اولیای ما را بحال ما رأمت و شفقتی نبود ، از سایر نوباوگان وطن وقوافل علم بفراخ دور افتادیم (همت شهر عشق را عطار گشت)

(ما هنوز اندر خم يك كوچه ایم)

بملاحظه ترفیه حال و استقبال ما کودکان آقای صدرالمالک تولیت آستان ملک پاسبان باصلاح و تأسیس مدرسه صدریه سادات قیام و اقدام فرموده تادر ظل طافت و کتف حمایت حضرت سلطان سربر ارتضی علی ابن موسی الرضا (ع) و عنایت مخصوصه خویش و مراقبت جناب آقای حاجی صدیق دفتر آستانه مبارکه تحصیل نمایم وسعادت دارین را در تحصیل علم بدانیم ، بلیه علم است که وحشیان عمالک افریقا را از تیه ظلالات باوج سعادت میرساند ، علم است که تفانی يك قوم سرکشی و وحشی را مبدل بوفاق و اتحاد می نماید، علم است که جبلاتین تمدن و تدین را در صحنه خراسان منتشر و مستحکم میسازد ، علم است که صفحه طوس را به نیروی معرفت و اسانیت رشک جنان میسازد ، علم است که ایران نو را با يك قوه برقیه روز بروز دعوت به تجدد مینماید ، علم است که خورشید ترقی و بجات را در این عصر جدید از شرق ملیت ما طالع و منور میسازد، علم است که دول اسلامیه را که از چندین سال قبل با اقدامات دشمنان دین اسلام از هم گسیخته

بودند با نحماد و اتفاق میخواند ، علم است که دول
اروپا را باختراعات محیر العقول و صنایع تالی مجزیه
پیش قدم سایر دول میسازد ، از نتیجه علم است
که از چندین فرسخ مسافت بیواسطه سیم مکالمه نموده
و عکس بر میدارند ،

هان، ای امانا و وکلای ما نوباوگان، چتریے
شاهانه و شهری ملوکانه از علم بر سر ما گیرید که
هر سائے آن شهر از حرارت جهالت محفوظ مانیم
تلاکرافات در خصوص استقراض داخلی
(از عراق بطهران)

توسط جناب حاجی وکیل الرعایا همدانی مقام منبع
دارالشورای کبرای ملی شیدا فله ارکانه ، در خدمت
آقای حجة الاسلام حاجی سید احمد و آقای حاجی
میرزا محمود آقا زاده های حجة الاسلام حاجی آقا
محسن بودم

حرف از ترتیب استقراض از خارجه بمیان آمد
رأی آقایان بدم صحت این استقراض شد، گفته شد در
این صورت باید همراهی از داخله شود، آقایان صورت
اسامی ذیل را که مخصوص فامیل خودشان است
نوشته از بابت اعانه تقدیم نمایند ، و در وقت لزوم
مرات شده دریافت شود مستندی است عین تلگراف
را کوبیه بدمید در جریده مجلس و ایران نو اعلان
شود که گویند سایر بزرگان هم بشود

(سید عبدالقار تبریزی)

- | | | |
|---------------------------|---|-------------|
| آقای حاجی سید احمد | — | یانصد تومان |
| آقای حاجی میرزا هادی | — | یانصد تومان |
| آقای حاجی میرزا شمس الدین | — | سیصد تومان |
| آقای حاجی آقا بزرگ | — | دویست تومان |
| آقای حاجی آقا مصطفی | — | دویست تومان |
| آقای آقا اسمعیل | — | دویست تومان |
| آقای آقا حسین | — | یکصد تومان |
| آقای آقا عبدالعظیم | — | پنجصد تومان |
| آقای آقا حبیب الله | — | بیست تومان |

(از طهران به تبریز)

خدمت جنابان مستطابان اعضای محترم انجمن
مقدس ایالتی و جناب مستطاب اجل عالی آقای سردار
ملی دام اقباله العالی - پس از تبلیغ عرض ارادت و
اهدای سلام بنا بر احضار تلگرافی این خدامان و مان
تظیر و تظیر انجمنی فرمایشات مستقیم و در صورت

لزوم بمخبرین جراید هم اطلاع داده میشود
تقی زاده ، شیخ اسمعیل ، معین الرعایا ، تربیت ، نوری
خیابانی ، مستصر السلطان ، نجات ، معتمدالتجار
قزوینی - حاجی میرزا رضا خان .

(از تبریز به طهران)

پس از تبلیغ مراسم خلوص عقیدت و ارادت
اظهار میداریم و مقصود از زحمت افزائی این بود
دیروز متصدی بودیم در خصوص باقی مانده گان
شهادی راه حریت که هر کدام گرفتار انواع
فلاکت و اقسام ذلت بوده و این مخلص در تحت
فشار اراذل و اینام که ترفیة حال ایشان اهم
فرائض مصادر امور است با جنابان مستطابان عالی
حضوراً مذاکرات لازمه نموده و مساعدت حضرات
آقایان و اعضای محترم دارالشورای کبرای ملی بمسائل
معروضه جلب نموده و خاطر آجنابان را مستحضر
دارم که این خادم ملت شخصاً طالب حشمت و جلال
و شکوه نبوده است اقدامات و فداکاری های خود
محض استقلال و سعادت وطن عزیز است از
قراریکه مسوع گردید گویا در مجلس محترم
وزراء استقراض خارجی مطرح شده مطالب سابقه
را بکلی فراموش نموده

با کمال التهاب درونی از آن جنابان توضیح
اینستله را خواستارم تا عرایض خود را اظهار دارم
(خادم ملت ستار)

جواب از طهران

حضور آقایان دامت تابداتهم، در خصوص
استقراض خارجی سؤال فرموده اید تفصیل آن از
این قرار است که از بدو روی کار آمدن دولت
جدید برای تنظیم و تامین کلیه عساکت محروسه و
اصلاحات مهمه مملکتی احتیاج شدید خود را بوجوه
نقدی و یک مبلغ مهم فوری حس کرده و روز
روز این احتیاج شدت پیدا میکند ، چرا که از
چهار سال پیش باین طرف تقریباً خزانه دولت
بکلی خالی و دست اولیای امور بواسطه اقدامات
گذشتگان و استقراض متوالیه از هر سر چشمه
طالبات تهی مانده همان در حیات مضاف الدین شاه
پیش از افتتاح مجلس اول قرار یک استقراض بمبلغ
چهار صد هزار لیره انگلیسی از دولتین همسایه به
تخصیص داده شده بود ولی از افتتاح مجلس اول

فورا لایحه حاضر شده و بمجلس تقدیم شد که با کمال عجز و نهایت در گذراندن آن سی وافی و شتاب داشتند و ماطور که میدانید در رمضان ۱۳۲۴ پس از يك ماه مذاکرات از مجلس رد شد که بانک ملی در عوض آن تأسیس بشود

تفصیلات دوره مجلس سابق وزجات فوق‌العاده دولت در آن دوره از تنگ دستی و پیدا کردن از آن طرف و این طرف آخرین قطره های ذخیره دولت و منابع امپد مملکت را و بمصرف رسانیدن آنها مشروحاً معلوم است. بعد از واقعه خرابی مجلس و عود استبداد نیز چنان که مبداید یکسال تمام دولت سابق در تجدید آن استقراض سابق چهار کروری سی کرده و برای مصایبه دولت و امتناع آنها بدون تصویب مجلس ملی مساعی دولت بدر رفت. و موفقیت حاصل نشد، مگر بعد از اعلان مشروطیت که آن وقت دولتین راضی شدند که علی الحساب دو کرور بدولت محمد علی میررانی بدهند بشرایط سختی که دولت روس يك کرور حصه خود را بعد از اعلان انحصارات و دولت انگلیس يك کرور بعد از افتتاح مجلس و تصویب آن میداد در این اثنا حمله ملتبان طهران و تبدیل سلطنت آت اوضاع را بهم زد، بعد از تشکیل دولت جدید نیز مرتبیتی برای تحصیل وجهی از بانکها و دولتین شد همه تمهید با افتتاح مجلس و تصویب آن میگردد یا آنکه دولت کمال احتیاج را داشت و ضرورت فوری محور به آت اقدامات معلوم مینمود در ابتدای افتتاح مجلس هیئت وزراء عظام پروگرام خود را به مجلس تقدیم نموده و مجلس بالاتفاق پروگرام آنها را و خودشانرا پذیرفت.

یکی از اصول آن پروگرام تکلیف يك استقراض خارجی تقریباً بمبلغ سب و بیست و دو کرور بود که پس از آن تقدماً بشکل مساعده دریافت و جزو بودجه سال جدید شود که کمایت تشکیل اردو های نمای بعد سی هزار قشون مسم و سیر نماید و مافی بعد ها برای پرداختن حساب جاری بانکها و قروض دستی دولت بکار خورد، چنانکه مبداید مجلس اجازه تقاضای این استقراض و دخول در مذاکره آن را بوزراء داد، که بعد از رسیدن جواب دولتین و ترتیب آن مشروحاً لایحه استقراض

به مجلس تقدیم شود که نظر به موافقت و عدم موافقت شرایط مجلس قبول یا رد نماید سه ماه بیشتر از اظهار رسمی وزراء دولتین گذشت و اثری از جواب ظاهر نشد دولت و ملت با کمال بی صبری منتظر جواب رسمی دولتین بودند تا بحسب صحت و سقم ترتیب آن یا بگیرد و یا هر چه زود تر برای مخارج بهار و مصارف سال نو فکر دیگر نماید و رجوع بحیثیات ملت خود بکند، تا درین اواخر یعنی دو هفته پیش حواب استقراض بمبلغ چهراس کرور تومان با شرایط آن از دولتین رسیده ولی تا امروز به مجلس شورای ملی تقدیم نشده و گویا میان خود وزراء و از دولتین مذاکرات در تعدیل شرایط و غیره جاری و هنوز خبر رسمی از این يك به مجلس رسیده ولی گویا نظر بآنچه از گوشه و کنار شنیده میشود محققاً همت فوق‌العاده ملت در این باب لازم خواهد شد که سلطنت ملی را که بوحودش افتخار داریم از نیارمندی به بیگانگان برهاند و ثابت شود بعالم که ما نه تنها بگرفتار نعمت حریت و حاکمیت ملی و استقلال که آسان است قادریم، بلکه به نگاهداری سلطنت ملی و حکمرانی مشروع است که مشکل تر است نیز مقتدر و به اداره خاک خودمان لایقیم. این است که چون صرف نظر از تحصیل وجه مهمی غیر ممکن و مقداری نقد امروزه روح و حیات و اسباب نجات مملکت است ملت ایران در داخله و خارجه خصوصاً طهران و عراق و مشهد و رشت و بالاخص نجف معتبر طهران و هم مخدرات اسلامی در پایه تخت به جنبش و حرکت آمده اظهار مهیا بودن خود را برای هر نوع کمک بدولت محبوب خود و قبول هر قسم مالیاتها و استقراض داخلی و اطافه و غیره کرده و میکنند، و از نتایج همین اقدام امکات و عدم امکات نجات ایران معین و معلوم خواهد شده (آقایان مدیران جرائد نیز تشریف آورده و حاضرند، مستدعی هستیم فهرست اسامی اوامل و ایتمام شهدای تبریز را به تحقیق و تفصیل درست کرده بتوسط پست ارسال فرمایند، جناب حاجی میرزا آقا نیز حاضر و سلام دارند

(ایضاً از تبریز طهران)

حضور حاضرین مطالبی که فعلاً مورد میناکی

نهایت نهایت اهمیت را دارد با شوق و همت محققان
توسط آقای مریض، استدعا می‌رود که دو ساعت
دیگر از کسبان، خواهی، اجازت سیم را گرفته تا
مطالب لازمی عرض شود. (حاضرین)

(از تبریز به طهران)

ملق که در راه تاسیس و تحصیل حکومت ملی
قد حیات خود را بطبق اخلاص نهاده از هرگونه
جان بازی فرو گذاری نکرده تا شاهد مقصود را
در بر گرفته در راه محافظت دولت ملی از نثار
مال خود بهر ترتیبی که متخین و برگزیدهگان ملت
تصویب نمایند حاضر خواهد بود. همان باقی ماندهگان
شبهای راه سعادت وطن، همان اراکل و ایام که
کفیلان معاش خود را در خاک و خون غلطیده
دیده در بذل مایملک خود برای آنکه دولت دست
احتیاج خود را با کمال ذلت و شرایط منحوسه و
میشومه بسوی اجاب دراز نکند حاضر است

(خادم ملت ستار)

(تبریز به طهران)

حضور حاضرین تلگراف خانه دام تأییداتهم،
بعد از اطلاع سلام مستندی منیم در باب استقراض
مقررات وزرا، رأی دارالشورای کبری چیست
اطلاع فرمایند (حاضرین)

(ایضاً از تبریز به طهران)

جواب - از مضمون تلگراف حضرات عالی که
مشروحاً تفصیل مسئله استقراض را بیان فرموده
بودند اطلاع حاصل شد. امر استقراض خارجی ماقطع
امروزه برای دولت و ملت و مملکت سم قاتل بوده
چه حایه آسکه متضمن شرایط منحوسه باشد، و
بلوریکه عرق حیت و ناموس ملی هموطنان
طهران در این مورد بجهوش و خروش آمده است
حلت آذربایجان هم از اعلی و ادنی حق آحادرات
و شاگردان مدارس شدیداً امتناع استقراض خارجی
را به نایندگان ملت پروتست مینمایند، و همانطوریکه
برای حکومت ملی سر و جان دادند امروز هم
برای معاونت دولت محبوب خود و حفظ ناموس
وطن با دل و جان حاضرند که بهر عنوان ترتیبات
ملی اعانه ملی یا استقراضی و سایر و سایر از قبیل
تخصیص مالیات بدهند بدولت خود همراهی کنند که
یکجای آنکار اولیای دولت از استقراض میشومه خارجی

منصرف شود، آذربایجان حاضر قدیم جان و مال
هستند و هینتصر اصول آنرا باید اعلام فرمایند
تا بانجام آن اقدامات لازمه شود. مسلماً بعد از
اینکه دولت در صدد انتظام امور مملکت و ترتیبات
اداره لشکری و کشوری باشد ملت از هیچگونه
معاونت مضایقه و خود داری نخواهند نمود
حاضرین تلگرافخانه

﴿ از طهران ﴾

حضور آقایان محترم حاضرین تلگرافخانه
مضمون تلگراف جناب عالی امید و انتظارها که بوطن
خود و همت معروف آذربایجان داشتیم تکمیل کرد
و از طرف خودمان از این حسن استقبال کمال
تشکر را داریم، ولی باید در نظر گرفت که دولت
حقیقتاً محتاج بوج است و این حیات و هیجانبها
بدرد دولت دوا نمیکند مگر وقتی که فسی بشود
نه قوی، و امیدواریم از ملتی که اصول اداره
چندین ساله خود را در این عصر و تاریخ تغییر و
تجدید داد که حقیقتاً آثار حیات ملی و روح استقلال
را احیاء دارد چون حالا وقت اسقاد مجلس فوت
میشود عجائباتاً مرخص شدیم اگر درایش دیگر هم
باشد بخاره فرمائید با میرساید

ایام سعادت مستدام باد حاضرین تلگرافخانه

(از طهران به تبریز)

جناب مستطاب اجل آقای سردار ملی دام اقباله
تلگراف حیات بخش آغخاب مایه قوت قلب
و کمال امیدواری و موجب نهایت تشکر است، بدیهی
است در ایامی که بای استقلال و من در میان است
بلوریکه فرموده اید ملت ایران عموماً و خصوصاً
آذربایجان داد وطن پرستی را خواهند داد، در
خصوص اسامی باقی ماندهگان شهداء راه حریت هم
انشاء الله تعالی پس از رسید صورت اولیای امور
توجه مخصوص خواهند فرمود هم قدر ایحادمان
وطن از شخص شخص حصرت عالی خواهشمندیم
که همواره با احسن مقدس ایالتی کمال همراهی را
فرموده و مدقماً با مقاصد ایالت حلیه در اصلاح
امورات آذربایجان همراه باشید - حاضرین

﴿ مکتوب شوشتر ﴾

(قابل توجه اولیای امور)

اعالی انور بیده کشت مردمان سلم النصر و

مطیع دولت و حکومت و عدالتخواه آند چیزی که هست يك بلاي ناگهانی یا يك قضای آسمانی در این نقطه فرود آمده و آب این است که شهر شوشتر تقریباً ۲۰ هزار جمعیت و منقسم به ۱۳ محله است و هر محله چند کدخدا و حکمران دارد و حمی بیکار بیچار الوار و انرار جمع شده و دست ظلم و تعدی و بی حسابی دراز نموده و تعدی و ظلم را نه باندازه و حدی رسانیده آند که بنوان کاملاً شرح داد، و فضاحت را بدرجه رسانیده که شب و روز مشغول حرکات عیاشی و حرکات خلاف شرع شده و لوازم این امور را حبراً عنناً هر کدخدائی از محله خود میگیرد، بچاره اهالی آن محل اگر سر ار اطاعت بیچند فوراً هسقی آنها را به باد فنا میدهند و قه تازه که خیلی مایه نهمیر گشته آن است که درجه تعدی و وحشیگری خود را به جای رسانیده که املاک مردم را متصاحب میشوند، مثل آنکه که چند قطعه زمین و آسیاب که متعلق به جناب مستطاب حاجی سلطانعلی صاحب تاجر شوشتری مقیم عثمی و در محله اشکنتی که کدخدای آن آقا شکرالله ابن آقا کلب علی است متصرف شده و اراضی و اسباب را بی جبهه تصرف کرده و غالب مردم ایشانرا بصیحت کرده و اعتنائی نکرده است، خیلی جای تعجب است يك شهر ۱۳ کدخدا و چند حکمران !

(جبل المین)

آنچه معلوم میشود وقوع این حرکات و وحشیانه از بداشتن حکومت استمداد کافی است، اولیای امور راست که بزودی توجی بطرف عربستان فرموده و استمداد کافی جبهه حکومت جلب فرمایند که حکومت از عهده جلوگیری انرار و این گونه حرکات و وحشیانه برآید

عربستان

بحسن اقدامات و توجهات تکامله ایالت عربستان آقای حاج فخر الملك این صفحه کاملاً مرتب و قبلاً در تحت انتظام است، لاسیما از بدو ورود بدر فلول شب و روز مشغول ترتیبات آسایش عموم و رتیق و قتیق مهم امور میباشد، اگرچه محالین طاق مالیات دیوانی و محرک اشرا و محرا در اطراف شر شده، من جمله چندی قبل (دیرکوند) کله های دزفول را غارت نمودند، همینکه ایالت

متحضر شده فوراً سوار بختیاری را بسر کوهی اشرا حرکت داده تعاقب نموده بآنها رسیده چند نفر از آنها مقتول و تمام غارت را گرفته بدون کم و زیاد بصاحبان مسترد و تسلیم کردند، چند رأس اسب از سوار بختیاری فقط کشته شده بوده قیمت آنها را و ایالت از خود بسوار مرحمت فرمودند، از بابت مالیات هم آنچه لازم رعایت و رعایت و مدارا بود نمودند، و بتدایر عملی در دفع مواد فاسده اقدام فرموده عموماً با کمال طیب خاطر فعلاً با قساط معین مشغول پرداختن مالیات شده اند، بمحمدالله قاطیه اهالی مرفه الحال مشغول دعا گوئی و کسب و کار خود هستند اگر بگذارند تا خداوند چه مقدر فرماید لکن بدالله فوق ایدیم امید است روز بروز بتوجهات ملت و دولت و این قبیل اشخاص با لیاقت کافی کاروان بر ترقیبات نوع و ترتیبات افزوده گردد

عمره

سارقین که در (عمره) صندوق آهنی سرقت کرده بودند به حسن مساعی حکومت گرفتار شدند و یکی از آنها فرار نموده به فونولگری (انگلیس) پناهنده گردید به محاسن اقدام کار گزاران محلی و حق شناسی (لقتت ویلس) تکمیل فونولگری تسلیم و همه را به (قبلیه - عمره) برده توقیف کردند تا تکمیل استنطاق و مجازات کنند، به قرار معلوم چند فقره سرقت دیگر هم بروز و بهر صورت (سردار ارفع) و کار گزاران محلی در این مورد نیز کمال کفایت و انتظام پرور را ظهور داده اند، و ای کاش حکمران (بنادر) و دیگران هم قدری به حدود (عمره) تاسی نموده تا این درجات جراید و مطالعه کنندگان را متاذه نمیکردند (ایضاً)

تذکرات (طهران) از حضرات علماء و غیره در خصوص عدم اقدام به جشن نوروزی چند روز بعد از عید و انقضای مراسم به (عمره) رسید، سیم های عمره و (عربستان) غالباً خراب و از این رهگذر مردم دو چار بلیه و عذاب هستند، و عجب است با این حال از طرف باشرف وزارت جلیده تلگراف برای اصلاح بطور صحیح توجی نمیشود، همچنانکه شکایات از تلگرافی های (بنسادر) و غیره بجا نرسیده سهل است خردلی به اعانت ایشان

چه قسادی دارد، امیدواریم که بعد از ورود حکومت و اقدامات شایان شان در جلوگیری از مفسدين رفع بعضی خیالات از سر مفسدين بشود

❦ اخبارات خارجه ❦

❦ (بارك تواین) امریکائی مضاف وداع زندگانی گفت متروکه او که فقط از فروش مصنفات خود حاصل نموده قرب يك مليون دور است -

❦ بموجب تلگراف سنیر انگلیس مقیم (بیکن) در (چنگ شا) حمی مسلح بنای بلوا گذارده رعایای ملل خارجه بر دوچار انگلیسی بناهنده اند

❦ سنیر انگلیس از (بیکن) اعلام می نماید که در (چنگ شا) مجدداً شروع به انتشار شده و نیز از (هنگاؤ) در (نیویارک) تلگرافی رسیده تصدیق اخبار فوق را کرده است که بسیاری از رعایای چین را هلاک، مدرسه و سی هزار نفر آتش زده اند -

یکی از کشتی را سوزاندند دریا سیر داده تا جهازاتی را که برای نجات اهالی خارجه آمده بر باد سازند

❦ از (واشنگتن) خبری رسیده که سفیر امریکا مقیم (بیکن) تلگرافاً خبر داده که خوف انقلاب در (هونان) می رود و سایر مذکور حکم داده که اگر لازم شود سته جهازات آسیائی مدد به جبراز (اموی) برساند

❦ بموجب خبری که از اسلامبول رسیده اعلی حضرت سلطان را آبله زده ولی خیل کم است

❦ مخبر (روتز) از (سنگائی) خبر میدهد که حالت (هونان) بسیار خوفناک و اهالی خارجه محکوم به هجرت شده - خبر تازه (چنگ شا) ایست که در آنجا انقلاب جدیدی شده آمان که بناهنده به سنارت انگلیسی و خارجه در (چنگ شا) هستند شکر از سرت انگلیس نموده که جان و مال شانرا حفاظت کرده است

❦ تلگرافی از اسلامبول رسیده که در (الینیا) مجدداً بلوا بالا گرفته - بلواییان قرب (۳۰۰۰۰) هستند در مقابله آنها جیسار تالیس عساکر فرستاده شده - در چند نقطه چنگ سعت پیش آمده است

❦ در مجلس ملی انگلستان دیشب (مستر ستین جمبرلین) بر مسئله بودجه بحث زیاد نمود خاصه بر فصل عواید اجازه نامه های کسب و تجارت

❦ اداره بلدیة پاریس - دیروز بذیرای شایبی از (مستر روزبولت) نمود

❦ تلگرافی از اسلامبول رسیده که چند هزار از

خوارده نمیگردد و وزارت داخله حکم میفرماید حقوق (توبیجی) به نظارت او باید و باعث زحمت برای کفن دزد اولی - هر چند جناب (مبشر همیون) بریاست تعمیر سیم (عربستان) مأمور شده ولی این نیز مثل نظارت تلگرافی در حقوق توبیجی و از ماست مالی و مرج و مرج بازپرسی قبل از مشروطیت است، باید مخارجی را که هر سال برای تعمیر منجمل میشوند و نتیجه دوستی بر نمیدارند یکمرتبه گذارده تیر های چوبی را آهنین نمایند و الا صداقت و کفایت (مبشر همیون) هر قدر افزون باشد همین است که بوده و هست و راه رفته به ایشان و خسارت بی حساب برای اداره تلگرافی ماند

❦ شام ❦

جناب مستطاب آقای آقا میرزا علی آقا مجتهد تبریزی معتمد آقایان حجج اسلام نجف اشرف که مدتی بود به تبریز رفته بودند در مراجعت از طریق روسیه باسلامبول و بمصر تشریف بردند هفته قبل وارد شام شده شب گذشته از مریق حلب عازم عتبات عالیات شدند. خداوند وجود امثال این قسم علمای عالم باحوالات عصر را زیاد فرماید که وجود آنها خیل مفتم است

❦ شیراز ❦

بمقتضای حکومت مشروطه خواه باقوای قاهره که ذیلاً درج می نمایم جهت فارس حرکت نموده

- فوج دوم همدان
- فوج سوم ساوه
- فوج ششم ده جیرین
- فوج اول انشار
- فوج چهارم کرمان شاه
- سوار (۲۲۰۰) نفر
- توپ (۶) عراده
- توبیجی (۲۵۰) نفر

نصرالدوله با بعضی از اشرار و مفسدين دیگر معاهدها کرده اند هنوز معلوم نیست که خیال چه قسادی داشته باشند

ضرفام الدوله برادر سران - شایری ما همراه میباشند، صولت الاولیه - سرتیپ سران و ان خان پسر بهادر خان که الی ۴۰ روز بعد بود در تبریز در حوالی (حنج) بود ابتدا تا دیروز در راه بود و عراده توپ همراه سرحی محمود خان در حاکم هستند و فرانس بند و مردم شیراز بوده - در راه صولت الدوله توپها را گرفته توقیف می نماید. سرالدوله هر صده تشکیل اودو است معلوم نیست که خیال

و شوهرشان در قصر (هتلو) تناول عصرانه نموده - و بعد در (امستردم) و از آنجا به (هیک) رفت - کالسکه مخصوص ملکه برای سواری ایشان احتیاجاً فرستاده شده است (مستر روزبولت) رسماً مهمان سلطنت در هر نقطه شناخته می شود

(۱۹ ع ۲ - ۳۰ اپریل)

§ بموجب خبری که از اسلامبول رسیده (البانیان) قصد فرار از محاصره (کچانیک) دارند و قشون جلو آنها را گرفته - امید است که دره مزبور از اشرار امروز صاف شود § از (و یانه) خبر رسیده که (البانیان) تصرف بر (ایک) و (جاکوده) نموده و حمله سخت بر (کچانیک) ظاهر میدارند - در تصرف نمودن کوهی تحت الحکم توگت پاشا (۶۰۰) سرباز عثمانی مقتول شده

§ مسوده قانون مسلوب الاختیار نمودن هاوس آف لارد موسوم به (قانون پارلمنت) اشاعت گردید مخبر (روتر) از (هیک) خبر میدهد که (مستر روزبولت) (هوستن بش) را که در آنجا اولاً شورای صلح شده بود ملاحظه نمود § (مستر روزبولت) از (امستردم) به (کوبن هیکن) رهسپار گردید

§ بسبب اینکه مجلس ملی عثمانی سالانه مخواه ۶ نفر شوهران شاعرزاده خانمها را از بودجه خارج کرده وزیر مالیه عثمانی استعفا داده - وزراء دیگر هم اراده استعفا دارند

§ رسنه در اسلامبول اشاعت شده حکه دره (کچانیک) از دشمنان صاف و بهیچوجه نقصان به راه آهن نرسیده ، بعد از کنار نمودن سنگ و غیره ایاب و ذهاب شروع کردید، خسارات جنگ بیان نشده ، ولی از کامیابی قشون نتیجه های نیک محدود نظر است باز هم اراده فرستادن قشون امدادی دارند، محض تهدید (البانیان) بواسطه تحریکی که وکلای البانیا دو خصوص فرستادن کمیسیون در حفظ امنیت (البانیا) نموده بودند پارلمان عثمانی تعطیل گردید (۲۱ ع ۲ - ۲ می)

§ سپهسالار عثمانی خبر میدهد که در دره (کچانیک) (البانیان) مخالفت سخت نموده و بسیاری مقتول و مجروح شده ، خیلی هم گرفتار گشته، یقین است که بلوایشان شکسته اکثری رجعت به امانکن بخود می نمایند ، خبر غیر رسمی اینست که در جنگ ۴۳ ساعی (۱۰۰) نفر ترکی و (۵۰۰) البانی مقتول شدند

(البانیان) راه آهن (کچانیک) را متصرف شده و خوف آب است که مخبرات با (اسکب) مسدود و عبور و مرور قشون عثمانی شمالی (البانیا) موقوف گردد - و نیز خبر است که قشون عثمانی در (استاجا) از (البانیان) شکست یافته

§ بتالین قشون عثمانی آماده وواسکی (البانیا) است - و فعلاً در آنجا (۲۵) بتالین موجود است § ممالک متحده امریکا برف زیادی باریده و خیلی نقصانی به زراعت پنبه رسائیده

§ اعلیحضرت سلطان صحت یافته ولی ضعف دارند § اعلیحضرت پادشاه انگلستان با (میواسوالسکی) وزیر خارجه روس صرف جائی صبح نموده و از طریق (بیازو) رهسپار لندن شد

§ بودجه انگلستان در کمیسیون پارلمان امضا یافت § بلوایشان البانیا مجدد قشون عثمانی را که در صدد صاف کردن دره (کچانیک) بودند عقب نشاندند

§ قبائل (لی او مه) با بلوایشان البانیا متفق شده - راه (فیری زووویچ فریزر ویند) را مسدود کرده و راه وسط (بریشتیینه و اسکب) را خراب کرده - از این رو اهالی اسلامبول متشوش اند § در مجلس ملی لایحه بودجه بار سوم قرائت شد و در مجلس اعیان بار اول

§ اعلیحضرت پادشاه انگلستان وارد لندن شدند § تلگرافی رسیده که حکومت مصر روزنامه را که برخلاف بطروس پاشای رئیس الوزرای مقتول مقالات می نوشت حکم به توقیف داد

§ امروز عصر (مستر اسکویت) رئیس الوزرا با اعلیحضرت پادشاه انگلستان ملاقات نمود که در برخی مسائل پلتنیکی شفاها گفتگو نماید § مجلس اعیان بودجه را امضا نمود § افواه است که در بودجه جدید بر کمرک جائی و شکر افزوده خواهد شد

§ وزرای مجلس ملی (استریلیا) دیروز بموجب قانون قسم خوردند

§ بموجب تلگراف (پترسبرگ) سنیر دولت روس مقیم (یکن) را حکم شده که دولت چین را آگاهی دهد که مشله رود خانه (سنگاری) اگر تا اول جولائی مطابق عهد نامه انفصال نیاید دولت روس پای بندی به قوانین دولت چین نخواهد کرد

تلگرافات

(۱۸ ع ۲ - ۲۹ اپریل)

§ (مستر روزبولت) بعیت ملکه (هولاند)

§ (کادر پیری) بحیثیت خاندان خود و (کتابت پارتیت) وارد (پلائی موت) و از مباحثه بر دعوی (ماکز کوك) انکار نموده است، اظهار داشته که وی امر بزورگی را به پایان رسانیده که در قطب شمالی برای سایرین راهی را منتوح ساخت ولی متأسف است که امریکائیان برای کشف طرق قطب جنوب نتوانستند وجه فراهم نمایند

§ مخبر (روتر) از (لسن) خبر میدهد که مسز اسکویت و زوجه محترمه ایشان و (مسترمکینه) وارد (لسن) و با پادشاه (منول) ملاقات نمود

§ مخبر روتر از (ویانه) خبر میدهد که بموجب تلگراف (اسکب) عشوت ترگت پاشا از دره (کاجنیک) بسمت (کراپل جیواتس) رهسپار است تا در آنجا (البایان) را محاصره کند. (کرنل اسدی) با دو رجان فوج و توپ زیاد مشغول جنگ با عده زیادی از (البایان) میباشد، خبر رسیده که از طرفین اطلاق قوس زیادی واقع شده

(۲۲ ع ۲ - ۳ می)

§ مخبر (روتر) از (کنتان) خبر میدهد که احکام ساعی اند که بر تریاک وارد از خروج کمرک زیاد کنند، و از نیم ماه می جاری شود، تجمار انگلیس (هنکانک) مبادیر پیش نموده که این امر خلاف عهد نامه است، ورود تریاک بالمره موقوف است،

§ (مستر روزیوات) وارد (کریشچیانیه) و با احترامات شاهی استقبال شد، و در قصر کریشچین هنتم توقف نمود. چندی میگذرد که در همین قصر

اعلیحضرت پادشاه و ملکه انگلستان توقف نموده بودند، شاهزاده ولیمهد و زوجه محترمه شان منجناب والد حاجدشان که این وقت در (ریواریا) هستند

وساً دعوتشان کردند - در (برلین) هم استقبال (مستر روزیوات) با کمال تجمل شد - اعلیحضرت امپراطور آلمان در ایستگاه راه آهن ملاقات کرده

در قصری که در سنه ۱۹۰۸ اعلیحضرت پادشاه و ملکه انگلستان متوقف بودند توقف خواهند نمود

§ در مجلس ملی عثمانی درباره سلاله نخواست شوهران ۶ نفر شاهزاده خانم ها اشکالی که شده بود رفع شد - و کلاء مجلس ملی وعده قبول نموده اند

§ در (پترسبرگ) (مسترفقت) در مجلس ضیافتی ضمن فطخ خود در خصوص دولت چین تمجید زیادی از پلنیک (مسترناکس) نمود

§ شفت پاشا خبر میدهد که در جنگ ۲۳ اپریل ۱۲ نفر مقتول و تلفات بلوایشان البانی بر

۲۵۰ نفر تخمین شده، تلفات بلوایشان در دره (کاجنیک) (۵۰۰) و از عثمانی (۱۲۲) بوده روز دوشنبه گذشته هم جنگ خفنی واقع شد - (۲۳ ع ۲ - ۴ می)

§ مخبر (روتر) از اسلامبول خبر میدهد که بنوان غیر رسمی خبر رسیده که جنگ سختی در (دیاگوا) شده و خبر رسیده که بلوایشان شهر را متصرف و

بر یک بتالین فوج که از (ایک) به (دیاگوا) میرفت حمله کرده و مقهوراً با نقصانی زیاد عقب

نشسته در اضلاع کوهستانی عده زیادی در (فیری زوویج) و (کاجنیک) بلوایشان فرام نموده اند

§ مجلس پارلمان عثمانی نخواست شوهران ۶ نفر شهزاده خانمها را مجدد شامل بودجه نمود

§ اعلیحضرت (ادورد هنتم) پادشاه انگلستان به مارضه ورم شدید قصبه ریه مبتلا و دیفراس هستند

§ بموجب ورقه اضلاعیه حالت پادشاه انگلستان بسیار خوفناک است

§ شهزاده ولیمهد انگلستان و زوجه محترمه شان امروز به عبادت پادشاه آمده علت مرض پادشاه از سرما خوردگی سختی است که در (بیارتز) عارض ایشان شده بود

§ (مستراسوالسکی) وزیر خارجه روس در مراجعت از (بیازنو) در (برلین) توقف و با (هروون شوین) وزیر خارجه آلمان ملاقات نمود

(۲۰ ع ۲ - ۶ می)

§ اگر چه پادشاه انگلستان شب را راحت گذرانده ولی حالتاً پیشرفتی در صحت نه کرده و مرضشان خیلی مخوف است

(۲۱ ع ۲ - ۷ می)

§ ساعت یازده و چهل و پنج دقیقه از شب گذشته پادشاه انگلستان وداع زندگی نموده

§ خلاصه ترجمه اخبارات خارجه راجع ایران اخبارات آلمان علی العموم در مسئله رد استقراض روس و انگلیس اظهار مسرت نموده ایرانیان را

تمجید کرده بشارت میدهند بحفظ استقلال و روس و انگلیس را ملامت می نمایند به خود عرضی و

شرح میدهند مصادیرایلی را که دولتین برای این جزئی وجه بدولت ایران که اظهار دوستی با وی

می نمودند و ایرانیان را تشجیع نموده میگویند

بهیچ وجه نباید مرعوب شده گردن به تجاوزات روس و انگلیس بدهند و با صریح قلم ایرانیان را از خواب غفلت و جهالت بیدار ساخته مینویسند که دولت ایران در امور داخلی و خارجی خود آزاد و مستقل و بهیچوجه نباید خود را بسوی احد بمعاهده دولتی روس و انگلیس داند، چه آن فقط معاهده بود بین روس و انگلیس و از روی آن معاهده خودشان را پی سد کرده اندا ربطی بایران و دولت نائی ندارد، چنانچه شامل در این معاهده بود مشقه مقدونیا و باسکان و تبت و افغانستان و ایران تمام مسائل راجعه بمعاهده دولتی هیا و هدر شد و دولتی هر آن بآن نقاط به نظر حسرت مینگرند فقط مشقه که درین معاهده باقی مانده ایران است چون اساساً این معاهده دست از هم برداشته تار و پودش نزدیک است متلانی شود به یک جنبش غیرتمندانه ایرانیان تار و پود این معاهده بر باد تواند شد و بز تهدید می نمایند دولتی روس و انگلیس را چنانچه عاناً مینویسند که ابد قشون روس و انگلیس چنانچه قشون اسپانیا و فرانسه از مراکو خارج شده بیرون خواهند رفت و بقول سر ادوردگری وزیر خارجه انگلیس که در برلمان اظهار داشته دولت ایران هرگز در سیر عاظم امتیاز تعمیر راه آهن بخارجه دهد ما هم دارای همان حق خواهیم بود ، قبه زده ازین دعوی باطل نسبت بی دینانی بسر ادوردگری داده میگویند. دولت ایران و دول سایر هیچگونه اهمیتی باین قول نداده محل بر بد دینانی می نماید و مبنای این سخن سر ادوردگری را جز حمل زور گوئی که مانی ما نزاکت های سیاسی شناخته شده می نماید، و فقط خواب آن را همان ترك نزاکت سیاسی میداند و نیز دیانت شعاری و صدی قول و بیت حاص خود را درین موقع نازک بایرانیان نگاهشته میگویند همسایگان دوست شما درین موقع نازک میخواستند باسم شهد ستم دو کام شما بر برید و ستم این قایل معاهده قبایله استقلال ایران را حاکمه دهند. و خلاف آن آلمان با نیتی خالص برای نجات ایران از فشار ستم دو همسایه دوست شما حاضر گردیده ما آلمانیان در حفظ استقلال ایران نظر مساوی که در حفظ سلطنتهای اسلامی داریم کوتاهی ننوایم کرد می

(گرگدا کامل بود تعمیر صاحب خانه چیست)

حرائد روسیه آمدن شات و شوتهای بسیار که از سونش مرعوبیت حاشین آشکار است، مینویسند

که تا وقتی اتحاد بین ما و انگلیس قائم میباشد ، دولت نائی نمیتواند در مقاصد ما در ایران خلل وارد آورد ، و به یک تهدید لندن و پترسبرگ هر کس باشد پیش پای خودش خواهیم نشاند ، و نیز ایران را تهدید می نمایند که اگر پای نائی و آلمانیان آورده و در مقابل ما رقیب تراشی نمایند چنین و چنان خواهیم کرد، و همچنین سعی اند که لزوم قیام قشون خود را در ایران مدال دارند، و علناً حمایت از ارتجاعیون کرده می نویسند که علاوه بر رعایای خارجه بسیار از اهالی ایران هم مائل باخراج قشون روس نبوده و نیست و از طرف دیگر کوشانند که بر طبلان ثابت کنند که دولت ایران با همسایگان مراعات دوستی نموده و صاف مینویسند که ما نمی توانیم ایران را در همسایگی خود یک دولت مقتدر قوی با آزادی و استقلال تام مشاهده نمایم، و ایرانیان را متوجه می سازند بر اینکه آلمان پیش از دول سایر اروپا خود غرض است و عاقبت ایران را به چاه انداخته و برای خود فایده حاصل کرده با دوستان قدیمی خود روس و انگلیس خواهد ساخت، ترانوالها و مراکویان که بریسان بوسیده آلمان بجای رفته چه فایده حاصل کرده اند که ایرانیان بنایند و و از اخبارات روسیه چنان مستفاد می شود که انحصار کشتی رانی دریا چه ارومی که تخمیناً دو بیست کلومتر است دولت ایران به آلمان داده است و حال آنکه از قرار مسموع پسرهای مرحوم حاجی فتحعلی تاجر قزوینی که از بحار نمره اول تبریز میباشد انحصار کشتی رانی دریاچه ارومی را از دولت متبوعه خود گرفته اند شاید ما یکی از کپانی های آلمانی شرکت کرده و یا چند نفر آلمانی ها را بملازمت گرفته، و برفرض هم که امتیاز خود را بکپانی آلمانی فروخته باشند اینمشله هیچ ربطی به ترك دوستی با روس ندارد و وسها در سرحد مانع شده اسباب اشکال پیش آورده اند برای ورود آلات و ادوات ماشین و لوازم جہاز رانی و این حرکات روس بااصاله از وحشیگریهای مأمورین سرحدی است ، و آخر هم جز ندامت بار نخواهد آورد و آنچه شدنی است خواهد شد

و نیز روزنامهجات روسیه می نویسند که یکی از بحار ترك که سابق رئیس یکی از کپانی های بزرگ عثمانی بوده در صوبه کلدوز حکومت یافته و عنقریب آن نواح سرحد عثمانی اعلان خواهد شد، این خبر را هم ما بهیچ وجه قابل تصدیق نمی بینداریم ، باید منتظر تکذیب آن از مراکز موثقه شد ،

(جلالتین کلمه)
مدیکل کالج استریت نمبر ۴

HABIBUL HATIN OFFICE
4, MEDICAL COLLEGE STREET
CALCUTTA

(کلیه امور اداره با)
مدیر کل مؤید الاسلام است
(هر دوشنبه طبع)
(سه شنبه توزیع میشود)
(یوم دوشنبه)
۶ بجادی الاول ۱۳۲۸ هجری
(مصادف با)
(۱۶ می ۱۹۱۰ میلادی)

ولا حق الخدایه بدون لیس ندارند و تاوقتیکه
(مشارکتی را قبض مخصوص سال هفدهم دست نیاورد)
(نما خان بری فشانته میشود)

▶ نامه مقدسه ◀

الملتیک

▶ سنه ۱۳۱۱ ▶

(قیمت اشتراک)
(سالانه - شش ماهه)
(هند و برمه)
(۱۲ روپه - ۷ روپه)
(ایران و افغانستان)
(۴۰ قران - ۲۰ قران)
(عمانی و مصر)
(مجیدی - ۳ مجیدی)
(اروپا و چین)
۳۰ فرانک - ۱۶ فرانک
(روس و ترکستان)
(۱۰ منات - ۶ منات)

▶ مراسلات خصوصی بدون امضای ▶

(معروف اداره درج نمیشود)

▶ در این جریده از هرگونه اخبار و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملی بحث میشود ▶
(مقالات عام المنفعه مقبول و در انتشارش اداره آزادست)

وبواسطه همین دخالت بیجا که استقلال يك سلطنت آزادی را متزعزع مینماید، در پارلمان (مستر دیلن) از وزارت خارجه انگلیس پرسش می نمود « آیا در جرح و تعدیل وزرای ایران دخالتی از طرف دولتین شده و این دخالت بناحق از روی کدام قاعده بوده است » معاون وزارت خارجه انکار دخالت را علناً نتوانست نمود نهایت میگوید « دخالتی که درین موضوع شد از روی خیر خواهی بدولت ایران بوده است »

چون این هیا هو ما باسم صنیع الدوله تمام شده در بد نام نمودن این وجود هم دقیقه فروگذار نمی نمایند، و بمجردیکه حکومت بر طبق میل دولتین برقرار آمد یاد داشتی را که هفته گذشته شرح دادیم رسماً بوزراء خودساز پیش نمودند و تمام ضررشان پای بند نمودن دولت ایران به تسلیم حقوق آنها بر طبق معاهده، و سعی اند که هر قسم است يك نوشته ولو مذبذب باشد از وزارت حالیه در صله این همراهی و خدمت بدست آورده که در آنجا بتوانند بمركب آزروری خود سوار شوند و مانع از حقوق استقلالیه ایران گردند هر کس بدقت در مضمون یاد داشت و تأکید که فوری بدولت ایران پیش شده غور نماید خواهد دید که دولتین حقوق استقلالیه ایران را ماطل و باطل خواسته، از يك

دخالت علی دولتین روس و انگلیس
(با بقای حکومت اعتدالیون)
(طمس) لندن بر حسب تلگرافی که از (پترسبرگ) یافته بشارت بهتری پیش آمد ایران را میدهد، و می نویسد « هرگاه واقعه تازه پیش نیاید تا چندی دیگر سردار و سپه دار بروی کار قائم خواهند بود » فرقه احرار سعی بودند در دادن بعضی امتیازات و پای دولت نالی را بپیمان آوردن و با امتیازاتی به بعضی ایرانیانیکه مربوط به خارجه اند بدهاند تا آنها بدولت نالی واگذار نمایند، سپه دار و سردار از اقداماتی که تولید مشکلات سیاسی نماید برهیز داشته اند دارند و با مقاصد روس و انگلیس همراه میباشد و متعهد شده اند که هیچگاه از منافع حقوقیه و شفیه روس و انگلیس غرض عین ننمایند، این بود که دولت روس و انگلیس هم در بر قراری حکومت سزادارین به تمیر و تبدیلات ضروریه کابینه اتفاق کرده صراحتاً دخالت در عزل و نصب وزراء نموده و ملتبان را تهدید کردند که اگر خواهشات سردارین بر نیاید و بر حکومت مستقر نشوند و بجز حسب میل خود وزراء جرح و تعدیل نمایند دولتین روس و انگلیس از همراهی و نصیحت دادن بدولت ایران يك دفعه کنار بگویند اختیار خواهند کرد (بینی جانان و جینی خواهی کرد)

طرف دخالت در عزل و نصب وزرا (ایرانیان بدانند که اینگونه دخالت روس در بخارا و انگلیس در مصر و حیدرآباد دکن هم نمی نمایند و تا امروز ضربتی باین شدت با استقلال ایران نیاورده بودند بلی شدت این ضربت بیشتر برای خود آوردی اوست تاریخچه برای یک دولت مستقل چنین دخالتی را نشان نمیدهد) ، از طرف دیگر پیش کردن آن یادداشت و تأکید فوری در حصول جواب آن، از همه مهم تر آن که دولتی جامه مند که گفتگوی استقراض دوباره پیش آید و بهر وسیله ممکن شود مجدداً جلب حکومت حاضر را به تجدید مخاربات استقراض نماید

ما طامه ملت خاصه وکلای شورای ملی را متوجه باین نکات میداریم، اول مذاقه در عدم تجدید مخاربات استقراض با روس و انگلیس ، دوم هر شکل و طریق بدانند رد دخالت دولتی را در امور وزارت و حکومت ، نمایند، سوم مذاقه در جواب یادداشت جدیدیکه دولتی بدولت ایران پیش نموده اند ، چه به يك سرو لفظی که از ما صادر شود ممکن است آیتده وطن را دچار خطرات عظیم سازیم در مقابل این دخالتهای بییه و تجاوزات علنی محقوق استقلالیه ایران برای اسکات ملت اشاعه میدهند که عنقریب دولت روس قشوق خود را از قزوین خارج خواهد نمود

عقیده ما این است که در این پیش آمدها اگرچه دولتی اظهار همراهی با سردارین نموده و حکومت اعتدالیون را قوت داده برقرار داشتند ولی در باص بالاترین عداوت را نسبت بسردارین ابراز دادند، چه محبوب ترین نفوس ایرانیه نزد همایرانیه سبهدار اعظم و سردار اسد بوده هستند و این دو وجود محترم را سرمایه افتخارات ملی و مؤسس این اساس سعادت و نیک بختی دانسته و میدانند ، مسلم است همین که بزور روس و انگلیس در وزارت باقی ماند و تا این درجه دولتی از ایشان حایه علنی کنند خواه نخواه خلال در محبوب القلوبی ایشان می اوتد و طبعاً قوت و اقتدار آنها که به پشت گری عموم ملت بود کم بلکه رفته رفته زائل میگردد، خصوصاً با آن اعلامات اولیه که داده اند بر اینکه دولت جدید مانع از اخراج قشوق روس میباشد و امثال آن

۱ . نکته ۱۰ . ما بد دانست که مقام سبهدار اعظم

و سردار اسد در قلوب ایرانیان بقدری رفیع و خدمات آنان بقدری منجیع است که وزارت و عدم وزارت از مقام آنان نمی کاهد و نمی افزاید در صورتیکه صلاح روی کار بود نشان هم بود ابدان مناسب و شایسته مقامشان نمیدانیم که بزور روس و انگلیس بوزارت برقرار مانده، این واقعه قلوب ملت را از ایشان رفته رفته میرماند و عقیده ملت را در حق آنها دوفرقه می سازد ما امیدواریم که سردارین رفع این بد نای تاریخی که بهتان عظیمش باید گفت از خود نمایند ، خیر خواهان ایشان هرگز رضا نمیدهند که تکیه بروس و انگلیس کرده بایستند و ما بزورگترین شکست را برای آن دو سردار بزرگ اینگونه اشتهاارات که تا درجه نیم رسی است می بنداریم

این نکته را هم ناگفته نمی گذاریم که عالمان میدانند در ملاقات ریوالانهدام مجلس مقدس فیصل یافت و از آن بعد هم تا سلعت آخر دولتی از از همراهی و حایه محمد علی کوناهی نکردند، هر چه محمد علی اهالی را از روس ترسانید جسارت ملت بر او پیش شد و هر قدر اسباب مزید دخالت خارجه گردید میدان را بر خوبستن تنک تر ساخت، تا شد آنچه شدنی بود، پس حایه خارجه در مقابل ضربت داخله برای هیچ پادشاه ، هیچ وزیر در هیچ نقطه نافع واقع نگردیده و نتواند کردید

ما هرگز مائل نمیباشیم که نام سر برستی و حایه روس و انگلیس بروی سردارین و هیئت کابینه وزراء گذارده آید ، دو تیرگی وزرا و وکلای در صورتی مطلوب است که هیچ يك پارٹی دول همجواری و رقبای سیاسی مملکت واقع نگردند، ورنه آن دو تیرگی برای مملکت سم قاتل است

ما هرگز رضا نتوانیم داد که فرقه احرار یا اعتدالیون پارٹی روس و انگلیس یا عثمانی و آلمان شوند، ما این دو تیرگی را وقتی نافع بحال ایران تصور توانیم نمود سکه فقط ملکثارا استقلال وطن قرار دهلد ، این ملک که وزرای ما زور سترای جرح و تعدیل شوند و يك فرقه با تصرف حقوق شکنانه دشمنان بروی کار مانند ابداً نمی بحال ملت و دولت نخواهد داشت

ما از حضرتین سبهدار اعظم و سردار اسد خواهش می نمایم که با اسرع وقت این گونه خط فحشی را از طالبان دور نمایند و بنگارند اینگونه اشتهاارات

و این کمپیک توجیحی که بصرف لهما خزینة برای
 مسکنی حاصل نمی شود تبدیل به بنای گردد ما
 هنوز هم برای مبدعیم که حضرات ناصر الملک - سپهبد
 اعظم - سردار اسعد - ستار خان و باقر خان
 حافظ استقلال ایران باشند و بشکل خلی خویشین
 را معرفی نمایند. و این قوت منوی باید سرپرست
 هر دو تیره احرار و اعتدالیون قرار گیرد و بارتی
 مخصوص شناخته نشود، ورنه شکست اعتدالیون مسلم
 و تبدیل وزرای کنونی قطعی است، نهایت امروز
 نه فردا این ماه نه ماه آینده، و حایة روس و
 انگلیس باین کابینه جدید علاوه بر ایسکه شکست و
 توهم سپهبدار و سردار است مرید قدرت ملت از
 اعتدالیون و قوت احرار در مقابل آنها گشته
 شکست این کابینه را نزدیک تر می سازد

در عموم جراید فرانک شهرت یافته که قشون
 بیگانه را حکومت تازه برای حفظ مقام خود در
 ایران نگاهداشته، و ایسکه که آلمان در ایران بای
 خودنمایی را نهاده خواه بخوام قشون روس خارج
 می شود، چه بدترین روز سبام روس عنقریب
 در (فنلند) خواهد رسید و در سرحد کوریا هم
 روسیان با ژاپون حالی خوش ندارد، وزارت خارجه
 روس که بتازگی در بران رفته بود حضوراً بوزارت
 خارجه آلمان وعده صریح داده که زودی قشون
 خود را از ایران بکشد، این افواهاست راست یا
 دروغ طبعاً ملت ایران را مایل به پلنگ آلمان
 نموده و نباید چنان تصور کرد که این دو تیره گی
 منحصر ب طهران است، امروز تمام ایران را دو تیره
 باید دانست و اگر این دو تیره سابقاً هموزن
 بودند ازین وجه هموزن نخواهند بود، چه دانستند
 روس و انگلیس های حکومت اعتدالیون میباشند، و نظر
 بصدمائیک از دولین دیده و فرییکه از آنها دارند
 خاصه در ماده استقراض که دانستند تمام همشان در
 نحو استقلال ایران است ازین جهت قدرت از
 حکومت اعتدالیون هم پیدا کرده و خیلی زود در
 جیب ایران از سوءظنی که از حایة روس و انگلیس
 ب حکومت تازه تولید شده احرار را قوت خواهند
 داد و اعتدالیون را از حکومت خواهند انداخت
 اینها با حکومت خواهند بود که سر فلان قبل از

و بسر برستی این دو تیره نامزد و هر زمان هر
 حکومت را که صلاح دانند ام از اعتدالیون و احرار
 بروی کار آوند، ما میخواهیم این دو وجود محترم
 بارتی گر باشند نه بارتی. حکومت تراش باشند نه حاکم
 ایران طرف معاهده روس و انگلیس نیست
 مجلس شورای ملی در دوره اولیه و وزارت
 خارجه ایران همان وقت که دولین روس و انگلیس
 سواد معاهده خویش را پیش نموده رسماً خود را
 طرف با آن معاهده ندانسته جواب داد که ایران
 بحسب استقلالی که دارد خود را طرف این عهدنامه
 ندانسته بای بند بمواد آن نتواند بود، میر قسم
 اند سایر دول که قانوناً و رسماً خویشین را بای بند
 بمعاهده که بی روس و انگلیس شده قرار نمیدهند
 چنانچه همان ایام معاهده دولین اشاعت یافت
 جرائد دول سیره تمام عدم طرفیت خودشان را باین
 معاهده اظهار داشتند، و امروز هم جرائد آلمان
 به آواز بلند این ندا را در داده در جواب آنان
 صدا از روس و انگلیس بیرون نمی آید، فقط این
 یک معاهده است بی روس و انگلیس که خویشین
 را در اقدامات سیاسی در علیه یکدیگر آمهم در
 جنوب و شمال ایران محدود و با بست کرده اند، و
 این نکته است نه بهیچوجه احدی را قابل الاسکار
 نبوده و نیست

بلی سی دولین از چهار سال باین طرف این
 بوده و هست، که بذرایع و وسائل دیگر بلکه نتوانند
 ایران را بای بند بمعاهده خویش نمایند، و این امر
 با مشروطیت ایران و بیداری ایرانیان جز بوسیله
 استقراض و گنجاندن مقاصد خود را در شروط آن
 غیر ممکن دیده، ازین است که از اواخر مظفرالدین
 شاه تا کنون دولین در ریختن یک استقراض
 بحلق ایران دقیقه فرو گذار نکردند، شروطی را
 هم که برای این استقراض پیش نموده که (ابداً و بطی
 بمنافع اقتصادی نداشت و با همه گونه اظهار دوستی
 منافی بود تا جائیکه دولت انگلیس شرم می کرد افشای
 آن شروط را به نماید) تمام مبنی بر بای بند کردن
 دولت ایران بمواد عهد نامه خودشان بوده و هرگاه
 در شروط استقراض که بایران پیش شده نور شود
 جز قبول این مواد عهد نامه خود توشیح امر

دولتین روس و انگلیس تا امروز آنچه در قوه داشته کوشش در قبولاندن معاهده خود با ایران نموده و باز هم خواهند نمود، الحاق ابراییم تا کتوف کمال مجاهده را در عدم قبول آن کرده و مقضی المرام هم شده اند، ولی باید دانست که هنوز دولتین از خیال قبولاندن معاهده خود باز نایستاده و سعی ناند که بذریعه دستهای داخلی دوباره مسئله استقراض را موضوع بحث قرار داده شاید این صید رمیده را بدام تواند آورد

حال که مسلم گردید ایرانیان با معاهده روس و انگلیس طرف نمیباشند بر هر فرد ایرانی لازم است که عدم طرف بودن خود را با آن معاهده دانسته سی باید که به تدابیر سیاسی در آینده هم طرفیت در آن معاهده پیدا نکند

این گونه معاهدات بین دول بسیار شده و همینکه نتوانستند اثری بر آن مرتب سازند خود بخود دست از هم برداشته معطل بلکه مهمل مانده است هرگاه چندی دیگر ایرانیان سی نموده مواد این معاهده را در وطن خود مهمل گذارند طبعاً این معاهده سست خواهد گردید، باید دانست که این معاهد دارای ارکان اربعه بود. اول ایران، دوم مقدونیا و بالکان، سوم تبت، چهارم افغان - مقدونیا از مشروطیت عثمانی و بالکان از تهدید سیاسی آلمان بروس و تبت از پیداری دولت چین و افغانستان از سکوت عمیق اعلیحضرت امیر عاقل و باطل ماند، فقط این معاهده بابت رکن پوسیده که آنها عبارت تحدید منطقه خود خودشان است در جنوب و شمال ایران برجای مانده هرگاه چندی دیگر ابراییم استقامت ورزیده خود را طرف آت معاهده قرار دهند کلیه این معاهده کان لم یکی میگردد

علاوه بر این ایرانیان راست که عملاً هم در ابطال مواد معاهده دولتین بکوشند و آن منصرف درین است که برخی کارها ولو حزقی باشد یکسایه های خارجه داده شود مثل کارخانه آهنگری با گاری سازی یا آرد بیزی یا اتومبیل رانی یا امثال آن در تبریز و خراسان و سیستان و کرمان و کرمانشاهان و غیره، و پیش از پیش باید نگران حرکات و سکنات این دو همسایه و رعایا و کبابهای آنها شویم، و در هر قدم که آنها آغاز زیادتی نمایند در همان قدم اول جلوگیری از آنها

به نمایند، و هرگاه در امری برخلاف مقاصد ملی ما حرکت نموده و بملاحظت و موانع نتوانیم جلوگیری از آنها به نیایم باید در مواد دیگر پیش از موقع مقضی آنها را تعقیب نموده و باشارات سیاسی باید بانها حالی کرد که این شدت در مقابل فلان سکوت و نرمی بود

تا وقتی که ما عملاً معاهده دودن را عاقل و باطل نسازیم هیچگونه رعایت و حق تازه نبساید برای آنها منظور داریم، چه مسلم است هر رعایتی در حق آنان شود در منطقه خود خود ثابت خواهد بود و آن رعایت طبعاً قوت معاهده آنها را پیش خواهد ساخت

تقصیده دانایان اگر دولتین روس و انگلیس بدون شروط بلکه بلاسود قرض با ایران دهند باز هم مضر سیاست و محل به استقلال ایران است

ایرانیان آگاه باشند که همسایگان مهربان هر وسیله سعی اند که تیر از شست رها شده را باز گرداند، یعنی دوباره مسئله استقراض را در میدان آرند و اگر ایرانیان بسخت تو خالی دل خوش کن فریب نخورده، به تهدیدات سیاسی و فشار های پلنتیکی مثبت خواهند جست، مانند یاد داشت و تا کیدی که بتازگی بدولت ایران پیش نموده اند، ولی باید دانست که در عوالم سیاست اینگونه تهدیدات بی مغز دارای هیچ اثر و اهمیتی نمیباشد البته اگر طرف ناشی و از میدان بدر رفت تشری زده و نفی برده اند و هرگاه زمین را سخت دیده و از روی قاعده جواب شنیدند کلیه (شتردیدی نه) را از دست نه میدهند، چقدر این گونه تهدیدات در مسئله مقدونیا به عثمانی و در قبضه تبت چین کردند، چون زمین را سخت دیده در حقیقت خود شان فراموش نمودند

غرض این است که دست های داخلی روس و انگلیس درین موقع نازک، ما ایرانیان بلیتیک با شناس را گول زده مرعوب نسازند

امروز دولتین روس و انگلیس بانهاد و دوستی ایرانیان محتاج تر اند نسبت ایرانیان با آنها، در هر مسئله اگر ایرانیان مرعوب نشوند و سر لطاعت خم نمایند باجر آنها تسلیم چیزی هم زمین را خواهند گرفت

« قتل از روز نامه شریفه استقلال »

« وظیفه حالیه هر ایرانی چیست ؟ »

(ناله را هر چند می‌خواهم که بنهان برکنم)

(سینه می‌گوید که من تنگ آمدم فریاد کن)

انسان هر قدر می‌خواهد خود داری کند دامن صبر و شکیبایی را از دست ندهد. خونی و سکوت اختیار نماید، قلم از تحریر زبان از تقریر باز دارد، اسرار نهفته را فاش و رازهای نگفتنی را آشکار سازد، وطن و ابناء وطن را بحال خود گذاشته پی کار خود رود. باز حس وطن پرستی و آمر وجدانی بایک حاکمیت مطلقه و آمریت فوریه فریاد کرده سلام بزند « زینهار (حب الوطن من الایمان) » آستین بالا زیند، قدم در میان گذارید، آب برهنائی گشائید، قلم بردارید که هنگام گشتن است نه گاه خفتن، دم مرو بستن بوقت گشتن تیره عقل است و خلاف نقل، نفس ناطقه را زنده زنده بگور کردن گناه عظیم .

پس کنون که امکان گفتار هست بگو و طریق سعادت بگو تا فردای داخل در تسبیح لیس نشوی و باز خواست و ستوال (بای دلب قنلت) نباشی، ایران ای پیشه شیران و کهن گاه دلیران ، آیا بوی سیلابهای خون جهنگهای محامثنی هنوز در هوای تو منتشر نیست ؟ آیا خاک تو هنوز از ریک دماغ جوانهای بیور دوره ساسانیان گلگون نمی‌باشد ؟ سر من دور میزند، چشم‌های من جز رنگ سرخی نمی‌بیند، خون پدران غیور من در عروقم به تندی برق حرکت میکند، و مشام از بوی خون پر است، چرا ؛ زیرا که فرزندان تو . . . خارجی تهدید میکنند، و اولاد تو دامن پاک مادر و مقبره اجداد و خون بهایی پدران خود را در خطر نزدیک مشاهده مینمایند ، تو با اندوه و یأس سر بزائوی بی کسی گذاشته و با چشم ناامیدی در پسران شجاع خود نظر میکنی، زیرا که بی‌یرت و شجاعت و عصمت پرستی و جوان مردی و حیت مندی آنان مطمئن نمیشانی !

(نه ، نه ، ای مادر محبوب، سر بردار هنوز غریب نیستی ، هنوز بی معین نمانده ، هنوز ده کرور از فرزندان دایوش اول محامثنی و سران شاه عباس کبیر جنوری و اولاد ناصر افشاری در آغوش مادری داری، هنوز خونهای مسامرن آقا محمد شاه دوشرانی

ما جاری است، و هنوز احساسات مردان دوره اشکابیان در اعصاب ما متعین میباشد .

آه ایران ، ایران ، ای منشأ غیوران بر خیز و بین که دلهای ما چنان در سینه می‌طبد، بین که چطور خونهای ما از تنگی مجاری خود غلبان می‌کند و بین که سینهای ما برای نفس و ابدان ما براسی ارواح تنگ گردیده ، چرا ؛ زیرا که چشمهای خون آلود پدران خود را که بر ما خیره می‌نگرند می‌بینیم و ملامتهای آنان را در حفظ وطن بینی خونبهای اجداد خویش میشویم ،

هان هوطنان گرامی، الیوم تکلیف ما چه چیز است ؟ ای زادگان ایرانی امروزه وظیفه ما ایرانیان چیست ؟ بی امروز اهم ترین و طایف ضرورتین تکالیف تهیه بول است و پس .

پس بنا بر این اولین قدم که باید برداشته شود و نخستین همت که از ابناء وطن بروز کند این است این وجه مختصر را بهر وسیله که ممکن است تحصیل نمایند ، امروز این بول جزئی فوری را که برای اصلاح امروزی خیلی اهمیت دارد، البته باید فرزندان ایران بدهند ، بدیهی است که امروز تمام انظار ملل دنیا متوجه ایران و ایرانیان است ، منتظرند که نتیجه این انقلابات بزرگ و فایده مجاهدت عامه مجاهدین در ایران چه خواهد بود، این همه اتلاف نفوس و نهب اموال و هتک اعراض و نوامیس برای استقلال این خاک و اصلاح امورات چه اثر خواهد بخشید، و جانبازی جانبازان و فدا کاریه فدائیان در این آب و خاک چه نمر خواهد داد ؟ پس مسئله استقرض برای ما ایرانیان یک امتحان جزئی است که اولاد رشید ایران در این موقع باریک اهمیت وقت را بنظر گرفته امتحانات وطن پرستی خودشان را در پیشگاه مقدس وطن خواهند داد ، و در انظار عموم ملل شرمسار نشده سرافراز و مفتخر خواهند شد، و نام ابدی خودشان را در جراید عالم ثبت و در تاریخ روزگار ضبط خواهند نمود،

(گر نیاید بگوش و غیبت کسی)

(بر رسولان پیام باشد و پس)

« همتی باید کرد »

امروزه ملل عالم متفق الکلمه میگویند که قطعه آسیا در ملك موقر نازنین از کره خاک واقع شده

بخصوص وطن ما ایران که از حیثیت آب و هوا و ذکات و فضالت جلی سکنه آنرا بر سایرین ترجیح میدهند و هماره در کین گوشه ما دام تذویر برای ما گسترده اند که این طعمه لید را از دست ما برابند منتظر وقت و منتزه فرصت اند که بطهور یک احتلال داخلی شالوده مملکت ما را متزلزل و اساس قومیت مان را منهدم نمایند. آن است که هر روزه ببانه گاهی باسم امیدیت و زمانی بحفظ تبعه قدم بر سینه وطن مقدس مان میگذازد و رخته بر بیان ارکان ما میزند. یکی از سیاسیون میگوید وقتیکه یک دولت باسم تمدن به مملکتی وارد شد اول دم از مهربانی میزند، وقتیکه کار استوار کرد کم کم بامورات داخلی سرکشی می نماید، زمان سپری شود مهاجمان تمدن صاحب خانه و صاحب خانه بیگانه گردند، چنانچه انگلیس در مصر و هولند در زاوه و وو ... پس مقصود این است که ما علت زدگان و یحیران اندکی جنم عقل بکشائیم و گوش هوش فرا داریم و وطن خود را بشناسیم، و آنچه که در حق وطن موظفیم مجرا داریم و ما یک حبش ملی و التهاب درونی بر عالمان ثابت نمائیم که هنوز خون ایرانیت در اعصاب و عروق ما منجمد شده که بیگانگان و اضمحلال ما همت کاربرد و مملکت ما را از دست مان بگیرند هنوز خون حوامان که در استقلال وطن ریخته شده خشک نگردیده. هنوز آنهمه عارت و هتک اعراض و بوامیس که در راه آزادی روی داده از خواطر ما فراموش شده که رایگان مملکت خود را به بیگانگان تسلیم کنیم، هنوز میدانیم که جوانان خود را در مهلکه مهلکه بینداختند مگر اینکه اولاد این حاکم پاک گرفتار نهلکه اضمحلال نشود، هنوز نمیدانیم آن نفوس کثیره در دریای خون عوطه ور شدند مگر ایسکه کشتی ملیت ما دوچار چهارموجه اضراض نگردد، پس ما راست که سعادت خود مان و آئینه اخلاف مان را مد نظر داشته یک حقیق کنیم و عبرتی بسزا نموده بسرعت هر چه تمام استقراض داخلی را ادا نمائیم و باواز بلند باولیای امور عرضه بداریم که در راه استقلال مملکت و حفظ قومیت و کسب شرافت مال و منال سهل است

(سر و جان را نتوان گننت که مقداری هست)

آن وقت فایز مقامات عالیه و مالک حیات ابدی میشویم و الا باین نالت حالیه و اوضاع حاضره ذر آتیه بیک حالت اسف انگیز و محنت خیز دچار خواهیم شد و آن قدم تاریخ که ابا عن جد در مصفا روزگار بیادگار گذاشته ایم پیرده بی همتی پوشیده، تواریخ دنیا ما را به بی حین و بیخبری یاد خواهد کرد (هاشم الحسینی)

بیان نامه ایست که از جانب هیئت کارگران (کردستان بصوم فرزندان ایران ابلاغ میشود) نظر بنام و تأثر قلوب مقدسه رؤسای روحانی از طول توقف جابراه قشون اجاب در خاک پاک وطن و احکام صادره آن زرگواران بر تعطیل عید ملی که علامت کدورت و ملالت عموم ملت است عرق اسلامیت و ریشه حیت ایرانیت بلرزه در آورده. هیئت کارگران محض تونیق قلوب مطمئنه رادوان ایرانی در دفاع از دین و وطن مقدس سام نهضت اسلامی خود را بشر این بیان نامه مکلف می داند، و ضمناً از حرارت عبرتی که در عرق وجدان و زوایای قلب اولاد ایران سراغ استمداد نموده اقدامات وافیة هم دردانه را آرزو مند است.

جلسه چهل و سوم پارلمان که قلم عصر جدید با یک خط طلائی جالب توجهی در صفحات تاریخ ششزار ساله ایران ثبت نمود، و در نتیجه وکلای ترقی خواه عدم اعتماد خود را نسبت بوزارت خارجه اعلان دادند، امیدواری کامل بخشید که وکلای کار آگاه و وزرای ملت خواه ما با یک فعالیت دشمن شکی و یک جدیت استقلال بخشی حاضرند. کشتی سعادت مملکت را بساحل نجات رسانند، و وطن گلگون کهن ما را از دست دشمنان دوست نا آسوده نمایند، بلکه دعای استقلال مملکتشش هزار ساله را بر اساس محکم سوار کنند.

ولی انوس آن هیجانهای ملی و جنبشهای غم خوارانه را تا حال فقط بانفصال وزارت خارجه نهایت داده و صدای اظهارات وکلای صدیق ما که هنوز در فضای پارلمان می پیچد از دایره تصور یک قدم نجات فعلیت تجاوز نموده، چنانچه باز بدست محتاجه می بینیم قشون خارجه که علیه فایز اتصال وزارت خارجه بود با یک سیاست محموق و بیخبرانه

ك وطن مقدس ما را ز بوسه ستورانی خوب گرفته
 و كرامت لگد کوبی کرده است، و لولای دولت
 واسطه ملاحظات دقیقه در اطراف وجوایب مسئله
 ايك سكوت حیرت آمیزی خیره خیره نگریسته
 مرار وقت می فرمایند، ما وجود این تربیات هولناك
 و مقدمات استدلالی، آیا باز می توانیم مطمئن شویم
 كه قشون دشمن ما را آسوده خواهد گذاشت؟
 آیا دیگر هیچ ایرانی وطن پرستی تاب سکونی را
 كه موهم میسی است در قوه خود سراغ دارد؟
 آیا موقع آن نیست كه دست ناشکیبائی را بحساب
 گریبان جامعه صبوری دراز کرده تا بدامن پاره کنیم
 و شروع در اجرای وظایف اسلامیت نمائیم؟ آیا
 هنگام آن نرسیده كه بجای پیرامن سینه بملاو از حب وطن
 را صد چاك كنیم؟ آیا هیچ مسلمان اسلام پرست
 راضی می شود كه دست اجنبی را بسوی ناموس
 برادران اسلامی یازیده بند؟ اگر چنانچه تاكنون
 مسأله گذشته همینطور بگذرد، آیا مطمئن هستیم
 كه خود را صاحب دین و وطن بدانیم؟ حاشا وكلاء
 زیرا سهل انگاری و برد باری ما برجسارت دشمن
 صد مقابل افزوده، و مثل آنست كه بدست خود
 اختیارات بشریت از خود سلب نموده و بدشمنان
 دینی و مالی و جانی تسلیم کرده باشیم، ایست با
 يك شری كه در ادای آن مجرای حلقوم مخرج
 زمان فرصت نداده فریاد میزیم، امروز كه دوره
 عدالت و عهد تمدن طلعی است با این جسارت
 تحمل نكردن بیگانه در خانه ما چه می كند و این
 مهانان میزبان آزارچه وقت تجاوزات تمدن سنگین كن
 خود انتهای خواهند داد، و چه موقع عالم تمدن
 خواهد فهمید كه در دوره آسایش بشری جامعه
 عصمت ملتی كه حسن لذائذ اسباب کرده، دست
 خوش اجامر اجاب گشته لطمه بآزادی دنیا وارد
 خواهد آورد، واقعا چه مصیبتی بالاتر از این است
 در موقع نبرد عید ملی تمام اولاد ایران در كنج
 سوگواری نشسته ازین تربیات ناملايم مركه را بر
 زندگانی ترجیح دهد و ترك مراسم ملیت خود گفته
 در این موقع سرور ابدأ آثار پشاست و مسرت از
 وجهات اهلئ مشهور نكرده، اینك با يك صوت
 رسا برادران وطنی را پیدار می نمائیم و از حیت
 دلاورانه فرزندان وطن استغناء می كنیم، غفلت

بس است بی حسی درجه دارد، از امروز به بعد
 تشیبات خارجی سودی نخواهد بخشید، کسی بداد
 تضرع و ابتغال امروز ما نمیرسد، ما باید بنیرت
 ملیت خود بناه ببریم، ما باید بحقیقت اسلامیت
 عارض شویم، ما باید بقوت حیت و اتحاد معنوی
 تثبیت کنیم، ما باید از هر طرف مجلس مقدس كه
 یگانه كعبه مقصود و حافظ و حارس استقلال مملكت
 است اعتراض و برتتهای آتشین ابلاغ داریم، ما
 باید فرجه نفس كشیدن بوكلاي و وزراء نداده در
 كمال جدیت اخراج دشمنان دوست كداز را در
 خواست نمائیم، اگر تاكنون ملاحظات ملیت ما را
 بسكوت از شاعت افعال شقاوت كارانه قشون اجنبی
 محكوم میداشت، حالا تكالیف مذهبی و شمائر اسلامیه
 باقدماتی دیگر ما را هدایت و ارشاد می كند، ما
 باید در هر نقطه كه هستیم مجلس مقدس را فشار
 داده آخرین وسیله استخلاص وطن را مطالبه نمائیم،
 دیگر امروز سرها ببدان سنگینی می كند، خونها در
 عروق برای ریختن جوش میزند، امروز روزیست
 كریمة (ان الله يحب الذين يتاتلون في سبيله صفاً كأنهم
 بیان مرصوص) مزایای جهاد را خاطر نشانی
 مسلمانهای قرن بیستم می دارد، امروز وقت بودن
 گوی سبقت نصیلت است كه (فصل الله المجاهدین
 علی القاعدین) مین آن است، و كار دفاع منحصر
 بمسلح شدن در میدات مبارزه نخواهد بود،
 بلکه انجام دادش این فریضه حتمی الوقوع
 میتواند بشكلهای متفاوت جلوه گر شود هیچ مجاهده
 بهتر ازین نخواهد بود كه احكام صادره از مقامات
 تقنینیه را با كمال میل قلبی اطاعت کنیم، هیچ
 مجاهده را اصلاح و اسام از آب نخواهد بوده
 كه بدراهم معدوده دارای بوسف مقصود یعنی دین
 و مذهب و ناموس و عظمت و و من خود باشیم،
 اینك هیئت كارگران با يك التهاب درونی و يك
 حدث فداکاری مراقب و مواظب مجاهدات جدیه
 برادران اسلام پرست وطن خواه ایرانی می باشد
 و از وجدان ایرانیان مقیم خارجه و داخله متوقع
 است كه با هیئت در این موقع مشكل شركت و همدردی
 نموده اقدامات جاریه خود را محض پشت گرمی
 آن برادران در طام اخوت اعلام دهند.

▶ لایحه جناب منیر اتولیه از کربلا

بر صاحب وجدانی مدلل و هر ذی حسی
 و مبرهن است که مراتب علو انسانی منوط ب فکر
 و عوامل ترقی مربوط بسی است و از آنجائی که
 افکار محرک ارادات شخصیه است فکر از مبادی
 اساسیه انسانیت
 همچنان نباید از نظر دور کرد که تنویر افکار
 یکی از مطالبیست که با کمال سرعت فکر را در شامراه
 ترقی حرکت میدهد. اگر رجوع بیده افعال و منشأ
 اقوالمان بکنیم خواهیم دید فکر است که گاهی
 از مخارج دهن تشکیل سدایه منتطی و گاهی
 ب حرکت اعضای بدن تجسم حالت معینی را میکند.
 فکر بجه ایست که هر طور تربیت شد همان طور
 جوان بلکه پیر بلکه بگور میرود. فکر قوه ایست که
 اساس اغلب قوای قوی میباشد. کذاک نباید فراموش
 کرد که همچنانیکه بدیهات حاصل است از براییه
 فکر ولو بالتفات در نظریات محتاج رهبر است. این
 رهبر ناچار یا سعادت و شقاوت روحانیت یا سعادت
 و شقاوت جهانیت، شکی نیست که سعادت روحانی
 بهترین رهبر است علت اینست که جسم از متعلقات
 روح است ناچار روزی این سعادت روحانی بحجم
 یکخلوت دائمی و یک شیرینی سرمدی میرساند. همین
 جهت است که روحانین تقدم سعادت روح را بر
 هر چیزی واجب کرده اند و متابعت آنها اواین
 چیزینست که تهذیب اخلاق ما را متکفل است. نمیشود
 منکر عوامل روح شد رای ایست که اخلاق و حواس
 متوقف بر او است. اما روح فاسد چشم دارد نمی
 بیند گوش دارد نمیشنود حس دارد نمی فهمد. شبه
 نیست که روح مستند فکر نظری و فکر اساس و
 محور افعال و اقوال است. فکر است که تسبیح
 افعال و تمجید اعمال میکند و او را در خارج
 صورت ظاهری میدهد. فکر است که هر چه عالی تر
 باشد مقاصد صاحبش را زود تر بانجام میرساند.
 فکر است که از تصادمش برق حقیقت میجهد.
 همچنانیکه حیات آتیه موقوف به یک فکر نورانیت
 بهترین اساس اتحاد است که نمراتش را تاریخ
 از برای ما واضح میکند. اگر اندکی عطف نظر
 بتاریخ کنیم خواهیم دید که نتیجه هر فکری که
 شرف و افتخار بود واسطه اش اتحاد است.

اگرچه نمیشود گفت که هر اتحادی در مذهب
 تمدن محمود و هر اتفاتی بچشم حقیقت مسعود است
 چیزیکه بدون معارض میتوان اثبات کرد نمرات آنها
 است. اتحاد دو درختی است که در هر جانی
 بشود نمر میدهد اگرچه در مرکز جهل باشد
 اتحاد میوه ایست که هر قومی او را چید بزرگ
 شریف میشود. اتحاد نخی است که در دل هر ملت
 کاشته شد مالک حاکمیت میشود. اتحاد مرکز جید
 قوی و قلب تمام مسامی است اتحاد منشأ اقتدار
 میده افتخار است. اتحاد است. که دولت آمارا
 جهل و همت ملیون نفوس در چشم هرار و چهار
 صد و بجاه و سه ملیون نفوس بشر بزرگ میکند
 اتحاد است که موازنه اروپایه را نگه میدار
 اتحاد است که مثل ناپلئون شخص اول را در
 جزیره هولاند که در جنوب اوقیانوس اطلسینکی در
 سنه ۱۸۱۵ مانند یک شخصی مقصر عبوس میکند. اتحاد
 است که هیچ شمیری از او جلوگیری نمیکند. اتحاد
 است که سدابش بمراتب از طوهای ماکریم ارو
 بلند تر است اتحاد است که اثرش در گوش ما
 تمدن بر احوال از تفنگهای موزدرستار است. اتحاد
 است که شاهش یک فکر سلیم محبوبیت. اتحاد
 نوریت که هدایت میکند بسوی صراط ترقی. اتحاد
 جان تمدن و مشکل حس نوع برستی است. اتحاد
 است که در حوالی سنه ۱۰۹۹ (م) در زیر یک
 صلیب که تشکیل امواج خونهای بیگناه را میداد
 هوس یکدشمن انسانیت و هوایه نفس یک
 کشیش دیبا طلبی داخل در فلسطین و
 قدس میشود و از آنجا بکنور تمدنیرا در اروپا
 ممکن می سازد اتحاد است که در سنه ۱۴۴۹ میلادی
 مثل شارل اول پادشاهیرا به پای سباستگاه میرساند
 اتحاد است که در سنه ۱۷۷۶ (م) که ملتی مثل
 دول متحده امریکا از زیر بار حکومت دولتی مثل
 برطانیای عظمی بیرون میکند. اتحاد است که دولت
 مونترکو را با ۹ هزار کیلومتر مساحت زمین و
 ۳ هزار نفوس در سنه ۱۸۷۸ در اروپا استقلال
 میدهد. اتحاد است که مثل عبدالحمید پرا با آت
 اقتدار و مکننت مانند جلاد مقصری در قصر لاتیفی
 در سنه ۱۹۰۹ عبوس میکند اتحاد است که در
 سنه ۱۹۰۹ یا ۲۰۰۰ نظر مختلایه و ۲۰۰۰ نظر رشته

و چند جملد قفقازی حیات یک مان و استقلال یک دولتی را مستحکم میکند. نمرات اتحاد بحد و اثراتش بصر است (اگر بگویم جا دارد) اتحاد اساس دین مبین احدی و از شرایط اسلام است. بدیسی است که هیچ چیزی بهتر از اتحاد از برای اسلام نیست مامیتوانیم که باده شرعی و عقیده ثابت کنیم که از ضروریات مذهب ما بلکه از ارکان دینت ما اتحاد است.

ای برادران دینی که در روی کره زمین منتشر شده اید چرا ضروریات مذهب خود را فراموش کردید تا یکی در مهد استراحت تنهای خود را پروریده و در گوشه ذلت خزیده اید. برخیزید که قصدی جز نتیجه جنگهای صلیبه را اروپا برای شما ندارد. آخر مگر نه شما حس دارید، بیدار شوید، یک گوشه نظری بسمت مراکش کنید که چگونه هر روز بدست یکدولت آدم نهای وحشی گرفتار و هرروزه حیات استقلال خود را از روی جهل و نادانی در میان خود تهدید میکنید. یک گوشه نظری به بخارا کنید چگونه تیشه بریشه خود میزنند، یک التئانی با اعراب کنید چگونه دائماً در فکر تمام کردن همدیگر هستند، یکمبارز از حرکات قانون شکنانه دو دولت همایه ایران کنید، ای بچاره مردم یکجشمی بسوی تاریخ عثمانی بیندازید، ای راحت طلبان یک نگاهی محرکات و حشایانه روس در قفقاز کنید، ای آسودگی خواهان یک لحظه فکر بحال سایر مسلمین شرق کنید، ای عبرت مندان یک مجلی از احوالات اندلس به بینید، ای تن پروران با صدای بلند بگوش تمام شما میرسانم که امروز ما را اتحادی واجب است، اتحادیکه داخل در رسمیات نباشد، اتحادیکه خیالات متمصبانه و حشایانه صلب نباشد، اتحادیکه دشمنی بانسایت نکرده باشیم، اتحادیکه در زمان جز احتیاق حقوق ملتی چیزی دیگر نباشد، اتحادیکه مقصدمان که موازنه عالم است چیز دیگر نباشد، کسی از اینطور اتحاد جلوگیری نمیکند و نمیتواند بکند، در صورتیکه اتحاد را موجود کردیم از طوهای اروپا و اروپا هم نداریم، نقاط مهیه اسلام را مرکز این اتحاد قرار بدهیم، روحانیان خود را شاهد بر این اتحاد بدانیم

با یک قوه معجز نمانی حسنگیری از مظلومین
و کنیم، باید که نمانی حقوق مسلمانان هند

محافظه کنیم، با یک عزم ثابتی حرکات نصاری و در مراکش ترویج کنیم، با یک اقدام مجدانه روس را از ایران بیروث کنیم، با یک اساس متینی امپراطوری عثمانی را نگهداری کنیم، با یک حرکت مدعنی حقوق مصرها را مطالبه کنیم، با یک نمایش فوق العاده جزایر محیط اوقیانوس هند را از سدمات اجانب باز داریم، با یک حس نوع برستی مسلمانان چین را شریک در ترقیات خود کنیم، با یک زبان خوشی بخارا را نصیحت کنیم، با یک تدابیر عملی اعراب را بفهیم، برادران - اروپا انصاف ندارد امیدوار نباشید، سیاست راست نمیکوید مطمئن مشوید علم حقوقی جز قوه در دنیا موجود نیست - مغرور مشوید با سبیل جز اتحاد شما را نگهداری نمیکند، غافل منشینید، ای مسلمان شیعه هند بشما میگویم که این شخص مفسد متذکر را که ادعای ریاست مذهبی دارد بر خود رئیس مکنید، این مجسمه خیالات اجانب و دشمن نوع پرستانست از ریاست اسقاطش کنید این سالی چند لک رویه که از شما میگیرد صرف خرابی اتحاد اسلامی میکند، گول نخورید، اگر نه میگویم خدای نکرده روح شما فاسد شده که جنم دارید نمی بینید گوش دارید نمیشنوید، حس دارید نمی فهمید

خادم آستان مبارکه حسینی

السید محمد کاظم آل طعمه منیر التولیه

ترقی معارف اسلامیه

بحمد الله والله در این قلیل زمان آثار مشروطیت اسلامی که اول آن نشر معارف است در قبه الاسلام عراق عرب نمودار گردیده، اخبارات عربی و جرائد ترکی و مجلات فارسی یکی بعد دیگری مانند کواکب سعد از آن مطلع اوامر معرفت طلوع مینمایند (فشرکه نم شکرله)

سابق مجله بنام (الفراء) در نجف اشرف اشاعت شد که اینک موسوم به (دوة النجف) گردیده، چند هفته قبل جریده بنام (اخوت) که چشم برادران اسلامی را نوربخشا بود از بغداد انتشار یافت، درین هفته جریده شریفه (نجف) از نجف اشرف انتشار یافته و این سه بزبان شیرین فارسی با عباراتی سلیس و خیالات عالی اشاعت می یابد، و ما امیدواریم که عملاً فرب مجلات و جرائد طالبه مانند مصر از جرائد که مراکز روحانیت اسلام

است اشاعت یابد و ما با کمال امیدواری توجه معارف خوانهان اسلامی را بطرف این دو جریده و یک مجله جلب می نمایم و تمیناً مقدمه که در جریده شریفه نجف در شماره اول نشر یافته نقل می کنیم .

(نقل از روز نامه شریفه نجف)

اما بعد مرغان دور از چمن و غریبان آواره از وطن که در عمر خود غیر از جنگال شاهین پیداد ندید، و بجز صوت منکر استبداد نشنیده بودند در بیابان بی آب و دانه سر در زیر بال برده بهلوتی داشتند، تا بلکه ایام حیاتی که عجات هر ار بار به از آن است بیابان رسد و از بندرقیت عزیزان بیجهت رسته و قود بر خداوند کریم نماید .

عمری بر این منوال بگذشت و هر دی بر عهه و اندوهشان می افزود، گاهی از نعره توب روسیان ایرانی زبان رشته حیاتشان در کارگسیختن، و گاهی از صریر قلم کاتولیکیان اسلامی لباس اوضاع حواس و مشاعرشان مختل، تا آنیکه ظلمت حرمان را فروغ وصل از بی، و سیم دلارای معرفت و معدلت وزیدن گرفت، نوای الحق الحق و لوای الابدار الابدار از سرزمین ایران بلند شد

در نخست بار چند نیر فلک توت از افق تبریز طلوع نموده قید عبودیت معبودات باطله را در هم شکسته بسایک سیف و قلم خروش بر آوردند که ای همدیان این گروهی که چندین قرن شا چهل کرور هوس را بنامی و کنیزی گرفته اند بر شا هیچ برتری ندارد، این قوم دارای در سر و چهار چشم و هشت دست و پانصد ، نه در فقی از شا اعلمند و نه در هنری بر شا مقدم، نه در شانسان آبی نازل و نه در حقیقت روایتی وارد ، و نه از خانواده سیادت ، و نه از عرش اعظمتشان بلبت سلطنت و نه مؤید و منصور بدیوان و پریان و فریشتگانند

کسانیکه در تکالیف آسمانی با شا یکمانند بکدام جهت بر شا صاحب حق و فرمانروایی مطلق باشد

حکومت شوریه را که محاسنش از ضروریات دین و منصوص کتاب و سنت است براییه چه گذارید، و حکومت خودسرانه جاهلانۀ فاضلانۀ این

جاهلانۀ که بر ضد قوانین عقل صریح و خلاف مقواعد نقل صحیح است بر خود وا داشتند، اساس اسلام بر حریت است نه و قیوب ، مبتلی دین بر مساوات است نه بر تطلوت، اصل شریعت عدالت است نه ظلم، این نواحی بی دربی در اطراف پیچیده فهوران سعادت مند را متحرک ساخت، آن عزیزان بسته بسته از جانب جنوب و شمال نهضت نموده آنچه مقدر بود انجام دادند (جزاهم الله عن الاسلام و اهله افضل الجزاء) پس از آنکه کار تا درجه بیابان رسید این بینوایان نظر در اطراف افکنده امور دین و وطن را با این حرکات و اقدامات در کمال تشویش و اضطراب دیدیم، مملکت از دین خراب تر امر دین از مملکت مشکل تر، ملت اسلامی در خواب، دشمنان داخلی و خارجی در انجام مقاصد خود، قلوب اهل اسلام مملو از شبهات و خرافات، سرمای عامه خلق بر از هوا و هوس تصور اصلاحخانه غیر مدود، خطبای ملت آخذ مهم و تارک اهم ، نوع مردم جاهل معنای قانون و دستور، حقیقت حریت و مساوات بر اکثر خلق مخفی، چهره سیاست و ترقی اسلام تیره و تار، مسلمانان بیگانه از علوم و صنایع لازمه، باصد کرور نفوس اسلامی در اطراف دنیا خوار و زار، مسلمانان با جهل و بریشانی ملازم، اصحاب صلیب و زمار در صدد اضحلال قرآن مجید و تخریب اماکن توحید، اعظم مصایب آنیکه درین دوره بسبب حرکات ناشایسته مشق شده و اراذل که برخلاف قانونی عقل و نقل صادر شده دین مبین اسلام در انظار اجانب هرج و مرج بقلم رنقه و شریعت حقه را منافی علم و عدالت و مابین با رسوم آدمیت میخوانند ، لازم بر این ضحفا چنان شد که افتتاح نامه نموده آنچه در عصر خود از اسباب و علل ترقی و تنزل ادیان و دول دیدیم بر حسب اقتضای وقت بعرض برادران دینی و وطنی خود برسانیم و از مطالبی که بحال ملک و ملت اسلام سودمند است بابعبارت ساده بحث کنیم، تا در نظر آن عزیزان حقیقت از عجز ممتاز و دوست از دشمن معین گردد و عموم مسلمانان بدانند که دوستی کنار با آنها دوستی گرگ و میش است، چه آنکسانیکه مسجد را در مقابل کلیسا باقی نمیگذارند هملست که باصل مسجد براسق و دوستی، قسم زنند، خصوصاً گروهیکه

قریباً فطری و فطری است. ما بوجه و اکتون بر
 مرکب آوند سوار شدند، و نیز بمرض برادران
 عزیز میروسیم که دین مبین اسلام که در این دوه
 اخیر مستغوش خیالاتنفسه خودسران و هوسناکان
 گردید و چون از شمامه استبداد تلك دولت اسلامرا
 خلق از سبب و قلم دیدند هر يك بضوائی برخواسته
 و مشق از عوام اهل اسلامرا از جاده شریعت
 حقه بر کنار و با عقاید اسلامیه معاند کرده اند
 و این ثلثه دینی در دولت و ملت کمال مضرت
 و موجب تشتت اهواء و تفرق افکار اهل مملکت
 است، بدین است که چون گروهی را مسلک دین و
 عقاید یکسان باشد در حفظ و استقلال مملکت
 همدست شوند.

این ضمای گنم اغلاب عام تمام اهل عالم
 داده خواهش میکنیم که هر کس در هر جای دنیا
 در اصول یا فروع یا اخلاق یا سیاسیات اسلام
 شبه دارد این شبه را مشروحاً باین طرف بنگارد
 و آنچه را از عقاید حقه شیاطین داخل و خارج
 در نظر اوست یا باطل نماید یا این سمت
 بفرستد که با کمال جد و اهتمام در جواب ایرادات
 و رفع شبهات حاضر و متطویر

و از بزرگان اسلام مستدی چنانیم که این
 جریده را که فی الحقیقه نجاتنامه دنیا و دین مسلمین
 است بنظر مرحمت نگریسته در اصلاح مصایب او
 بکوشند و آنچه در انظار آن بزرگواران طریق
 صدق و حق است ارسال دارند که با کمال منت
 درج خواهیم نمود

و اگر جوابی در این نامه بر طبق صواب
 داده نشد یا از روی غفلت ترك اهم و ذکر مهم
 کردیم بعد از اخطار در ندادن خواهیم کوشید
 (ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم)

همچنین نقل از جریده مذکور

(ضعف اسلام در بخارا)

پس از انتشار خبر و مقاله درهسان مسلمانان
 بخارا که سبب حزن اسلام و مرور کفر و مبنی
 از طابت و خیم و او مشنوم است، حضرت غوث
 المله والدین علم الحق والیقین ناشرالویه العدل والامان
 المؤید من عبدالله شیخ الطائفة آیة الله فی العالمین حجة
 الاسلام والمسلمین آقایی آخوند ملا محمد کاظم خراسانی

ادام الله تعالی ظله - اولاً تلگرافی بملای بخارا در
 التزام بصلح با تاکید بسیار فرمودند، سپس تلگرافی
 باسلامبول نوشته از حضرت شیخ الاسلام دام عزه
 خواستند که اثبات با قضاة و اهل فتوای بخارا
 مخبره فرموده آنها را ملزم بصلح و دوستی نمایند
 ﴿سورت تلگراف باسلامبول﴾

در علیه . بحضور حضرت المشیخة الجلیلة الاسلامیه
 دامت برکاتها

بلقنا حدوث فتنه عظيمة بین المسلمین فی بخارا
 علی وجه قتلت فیها النفوس المعظمة و متکنت الاعراض
 المحترمة و تثلثت الاموال بحیث اوجب ذالك مداخلة
 الاجانب و هذا واقع مضر بالدين و یفرق شمل المسلمین
 و دفع امثال هذه الحوادث مطلوبة من رؤساء الاسلام
 وقد اخبرنا تلغرافا علماء بخارا والزمنام باصلاح
 والاصلاح و عقد الاخوة اتامة بین المسلمین كما امر
 بذلك بختم التین صلی الله علیه و آله فیرجوا من
 حضرتکم السامیه مخبرة القضاة و اهل الافتاء والزمام
 بالانحد والاخاء و ان یکنوا جمیة متحدة لان الملة
 الاسلامیة واحدة و بذلك تنقطع يد الاجاب و لا یبقی
 مجال لافسادهم و دسائسهم والامر الیکم و السلام
 علیکم و رحمة الله و بركاته

(الاحقر الجانی محمد کاظم الخراسانی)

همچنین محترمة هیئت علمیة اصفهان

خدمات ملیه و تأییدات اسلامیه که از هفده
 سال قبل بعالم اسلامیت و انسانیت و مجامعات فوق
 العاده که در بیداری و هوشیاری عموم ملت فرموده
 اند موجب تشکرات کامله است، در واقع نامه مقدسه
 همه وقت منادی سعادت و استقلال وطن و مدافع
 تجاوزات دشمن برده مندرجات حقیقت آیات آن
 باید حافظ حدود و شئون باشد

در نمره ۳۱ مستند بوقایع نگار اصفهان شرحی
 راجع بانحادیه علماء اصفهان درج فرموده اند، در
 چند نمره قبل هم مختصری در همین عنوان مندرج
 بود، اولاً لازم میدانیم اجمالاً خاطر اعضاء اداره
 محترمه را مستحضر دارد که تاسیس این اتحادیه
 بموجب نظامنامه مخصوصه است که در طهران تحت
 طبع میباشد عیناً انشائه افتاد میشود بهیچ وجه تخطی
 از مواد آن نمیشود و ابدا رسیت ندارد و در
 هیچ امری مداخله نشده غیر لئذ لرجاء پادارات و

حراکت لازمه در مقام لزوم ابداً اقدام نموده و نخواهند نمود، تمام سی هیئت در تقویت اساس مشروطیت و ترویج احکام مشولیت و تأیید قوانین معدلت است مساعی جلیله علماء اصفهان در تاسیس این اساس سعادت بر احدی پوشیده نیست

بزرگترین دسیسه مستبدین مشروطه بنا در این زمان اینطور اتهامات نسبت بمؤسسين واقیبه مشروطیت است که موجب انزجار قلوب را فراهم و در واقع هوس اساس سعادت را میبایند، جبهه اینکه تمام علماء اعلام جریده مقدسه را بحسن قبول تلقی میبایند همانا مراتب بی عرضی جنابالی و اعضاء اداره جلیله است، در این صورت وجدان پاک جنابالی و آن اعضاء محترم چگونه رضا میدهد این طور لواط که متضمن اکاذیب و مطالب غیر صحیحه است درج فرمایند و هتک شرف هیئت علماء اصفهان را در اقطار عالم منتشر دارند

نایا برای رفع شبهات که اقاء کرده اند لازم میدانیم مندرجات نمره ۳۱ راجع باین مطلب را در موقع تحقیق و تدقیق گذارده مطابق قانون مطبوعات در عدلیه استنطاق و کشف حقیقت حال بشود

لذا اعضاء صاحب مکتوب و معری او را دوخواست میبایم که با وکیل هیئت علمیه جلب به عدلیه شده صورت استنطاقات و نتیجه تحقیقات با اداره محترمه ایفاد میشود، اگر واقعا انعقاد اتحادیه علماء موجب خلاف مقصود مشروع اعضاء آن باشد ترك آن اولی و منفصل خواهند کرد، ایام اتحاد مستدام باد (مدیر هیئت حاحی آقا)

حبل المتین

سابق در جواب تلگراف انجمن ولایتی هم که درین موضوع شده چه خطاً و چه در اخبار نوشتیم درین مقام هم بهان جواب اکتفا می نمایم و نظر بارادنیکه اعضاء این اداره اسلامی بتوع علمای اعلام دارند هرگاه زیاده بر اینهم جریان نخواهند حاضر خواهیم بود، و ما این مراسله محترم هیئت علمیه اصفهان را تردید نگارشات آن مقاله یعنی آنچه در حق هیئت عامیه نوشته بود می بنداریم و کما می نمایم که این استنطاق عبرت بخوبی برای آینده باشد

مکتوب یکی از علمای معروف اداره چون قرنها میگذرد که طایفه زردشتی و هنوز

و بهود در کرمان و یزد لباس مخصوص دارند و از قدیم طبعه الامتياز آنها از مسلمان ها شده و در محوطه شهر سواره عبور نمی نمودند حق و قق نایبند انگیس خواست هندو هارا اجازه سواری دهد خود آنها اقدام نکرده خواب دادند ماها باید برضای عامه و علمای شهر رفتار نمایم، چرا سکه با آنها تجارت داریم، این جور مطالب جزئیه قابل مشاجره نیست و شاید مثل یزد بالکل دست ما از تجارت با آنها ممنوع گردد.

این اوقات سکه صلاهی حریت و مساوات داده شده حضرات زردشتی اگر چه از همه جبهه آزاد بلکه برتری دارند، زیرا که عموم تجارت این شهر منحصر است بآنها، و کلین آنها باین جزئیات اعتنا ندارند، بعضی جوانهای آنها که از طهران آمده یا در کرمان بوده تغییر لباس داده عبا و کلاه پوشیده کسی هم متعرض آنها نشده، یک روز چهار پنجتر اطفال طلبه میروند در کاروانسرای زردشتی ها و بآنها میگویند عبا و کلاه دیگر نه پوشید و بهان لباس معمول ملبس باشید، آنها نیز از قرار مذکور قبول نموده لکن مراتب را به نظمی خبر داده نظمی جمعی پلیس فرستاده در مدرسه آنها را گرفته نزد ایالت میبرند، چون یکی از آنها که پانزده سال دارد پسر جناب آقا میرزا اسمعیل مجتهد بوده هیچانی در مرده ایشان پیدا شده، جناب آقا میرزا اسمعیل و جناب آقا میرزا محمود را که برادر جناب آقا میرزا اسمعیل میباشند از خانه بمسجد آورده سایر علما را نیز بنفس حاضر کرده و جمع کثیری بدون اسلحه جمع شده شکایت آغاز نموده که در قانون اساسی ایران این است که باید قوانین ایران موافق شرع مطهر اسلام باشد، بعضی عنوانها که عبارت از تحدید مالیت باشد و تحدید دلالی و مالیات اموات وغیره باشد خلاف شرع است، وزیر بار این جور مطالب نباید رفت،

در این میان چند نفر رجاله با پلیس و ژاندارم نیز زد و خوردی کرده لکن مصلحین خیر اندیش مردم را ساکت و متذوق نموده چند قبضه تنگ نیز که از پلیس گرفته بودند بآنها رد کردند روز بعد جناب آقا میرزا اسمعیل که از اخبار و می سال است با امامت و مؤسسه در مسجد ملک مشغول میباشد بشنیده

مرهم را موعظه نموده که هرگز پیرامون فساد نگرند، جنگ وجدال ننمایند، و مشروطه نیز باید مشروع باشد، هر حال بکلی فائده تمام شد.

شب یکنه ۲۹۸ ربیع الاول گویا حسب الامر اولیای دولت جنابان آقا میرزا اسمعیل و آقا میرزا محمود مجتهد و پسرهای ایشان را عده از پلیس و ژاندارم دلوار گرفت برده اند، علی السجانه معلوم نیست بطهران برده یا بطرف دیگر برده اند، در این مدت هرگز عنوانی برخلاف مشروطیت از ایشان روز نکرده الا آنکه مشروطه در صورتی که مطابق شرع مطاع باشد مدوح است و الا فلا، سمت و شوه خوری و آشوب طلی نیز در ایشان دیده نشده، ایشان را نمیتوان مثل ملا قربانعلی زنجانی یا شیخ فضل الله حائدرانی قیاس کرد که بر ضد مشروطه اقدامات داشته باشد، مرده ایشان صد نفر دکان دارد و کسبه فقیر بوده، بر فرض دو نفر او باش آشوب طلب هم خطائی کرده باشند یا چهار نفر طفل بی تجربه چیزی گفته باشند این نوع سلوک با اشخاص عالم متقی از عدالت اولیای امور دور است، و این مطلب باعث ازجار قلوب عموم اهالی این مملکت است خوب بود استتقاق می نمودند.

امروز البته هرگاه یک نفر ملای آشوب طلب بی دین رانی بر ضد مشروطیت اقدامی نماید علمای اسلام حکم با اعدام آن میزنمایند، لکن با علمای مزوی بدون تحقیقات این نوع سلوک نمودن معلوم نیست جز باشتباه کاری نمیتوان محلی قرار داد، اگر علماسکوت فرمایند که بعضی اشخاص مشروطه نما هرار جور بی اعتدالی را مرتکب خواهند شد، اگر چیزی بگویند آنها را متهم و بر ضد مشروطه میخوانند، آیا این اشخاص دارای اسلحه بوده؟ خیال جنگ و جدالی داشته؟ دو نفر ملای فقیر در گوشه منبر چهار نفر کسب و پیره زن را موعظه می نمایند، ماها میخواستیم بقوه اسلامیت خود اتفاق بناییم حای دولت و ملت باشیم، همه کس شکایت دارند مردم حکرمان چرا طالب انتخاب وکلا و دادن اطامه و اداره کردن ادارات نمیباشند، با این وضع که سالها در تحت فشار ظلم بوده امروز از اطراف بلاهای آسمانی وزمینی بر آنها فشار آورده تمام دهات آنها را سبل خراب کرده فشار ظلم و تاراج باین شدت در هیچ عصری

نبوده، اینهم سلوک با علمای آنها، این دو نفر بیچاره فقیر که در کرمان معروف بانزوی و قوی میباشند باین حالت شب بردن و معلوم نیست سلوک مأمورین با آنها چه بوده، شب تاریک در خانه کسی رفتن و آنها را باسیری بردن، اگر آنها منشا اثری بودند لامحاله بلوی می شد، البته بعضی فرضین القاء شبهات نموده و آنها را اشخاص شورش طلب با استمداد بخرج داده است

چنانچه در اول مشروطه نیز بواسطه اینکه گاهی در منبر از ادیان جدید مد میگفتند عوام را محرک شده در سدد ایذاء و ادبیت آنها بر آمده نگارنده هرگز دهات در هیچ امری ندارد چون این واقعه قلوب یک کرور مخلوق کرمان و بلوکات را متزجر از مشروطه نموده، هرگاه میخواستیم با اولیای امور مراتب را عرض کنیم نه قوه تلگراف و عریضه نه اطمینان به پشرفت مقصود، علی السجانه چون آنجناب را حای اسلام و بی غرض میدانم صدق ماجری را عرض کردم. اگر چهار نفر رجاله خلایق بنمایند مجازات آنها اهمیت ندارد، نسبت به علمای اسلام این جور توهم و دات کزن ندارم مصادر امور راصی باشند، دیگر چه برای اسلام باقی ماند، امید تا زود است اولیای امور جبران نمایند ورنه امید هیچ چیز برای ماها باقی نیست. ماها عوام الناس را از استیلاهی خارجه میترسانیم که دین و مذهب ماها می رود، زهی بدبختی که خود مان باین قسم اعمال افتخار بناییم و عامه را مایل با استیلاهی اجانب سازیم، زیاده از این حالت عرض ندارم و همین مختصر ختم میکنم

تعجب است که درب مسجدها را پلیس با اسلحه نشانیده حای افسوس است که بتلگرافات غیر واقع باین جزئیات اهمیت دادن و القاء شبهه نمودن دو نزد اجانب روسای خود را خوار و خذیف کردن معلوم نیست از انجمن ایاتی کسب اطلاعات نموده یا آنها اقداماتی در اصلاح نموده باشند لکن مسراست انجمن هم اسمی بی مسمی و بی هیچوجه منشا اثری برای ملت بدبخت نیست

حیل المقتین

جنابان مستطابان آقا میرزا اسمعیل و آقا میرزا محمود را ما از زمانیکه در اسفهان مشغول به تحصیل

بودند می شناسیم از فحول علما و فضلاء متقی اند ما تصدیق داریم که جنبه شورش انگیزی و ماده مخالفت با دولت در ایشان نیست ، و ما تصدیق داریم که حامی استبداد و مخالف مشروطیت نمیباشند ، اگر مخالف قانون واقع شده و اضرارها اقدامی نموده ربطی بایشان ندارد ، و ما همین قدر جلب توجه اولیای دولت را معطوف میداریم که این دو وجود طبعاً مائل به فتنه انگیزی و انداختن آشوب در ملک نبوده و نیستند و با کمال ادب علمای اعلام را متذکر می سازیم که طلاب و مردم خود شانرا متنبه سازند از حرکات بی قانونی که در ادوار ساله از ایشان سر میزد - اگر درین دوره هم طلاب یا رجاله در هر شهر فعال ما یثاء باشند با دوره سابق چه فرق خواهد داشت - هرگاه امری خلاف شرع و قانون مشاهده نماید باید وجوع عملی یا شورای ملی بشود ورنه تصرف هرکس در هر کار داعی بر هر گونه هرج و مرج میگردد

وزارت تجارت ایران

درین دوره از ابتدائی که تشکیل کابینه وزرا شد نمیدانیم بچه ملاحظه انتخاب وزارت تجارت را نمودند ، و حال آنکه امروزه روح نروت و ترقی مملکت بسته با اصلاحات تجارتنی است - و وزارت تجارت در ممالک مترقی مهمترین وزارت خانها شناخته می شود

از جرائد لندن و اخبارات فارسی مزده بشارت تکمیل این نقیصه را در کابینه وزراء ملاحظه نمودیم بی جناب آقا میرزا شکرالله خان معتمد خاقان که از خانواده جلیله صدر اصناف میباشند و امتحانات خود را کاملاً در وطن خواهی چه در دوره مشروطیت اول و چه در این دوره داده اند بوزارت تجارت در مجلس شورای ملی معرفی شدند ،

جناب معتمد خاقان در مهاجرت از ایران ایامی که در اروپا بودند خدماتی به مشروطیت ابرایش نمودند که همسری بلکه برتری با خدمات سایر خدام حقیقی وطن می نماید ، اگر هیجان سلسله جلیله بختیاری را بر خلاف استبداد از این وجود منتقم گوئیم ، سخنی بگزارف نگفته ایم ، و پس از آنکه با جناب سردار اسعد از طریق بمبئی و اهواز بجانب اصفهان و هسپار شدند ، نیز در تکمیل خدمات اولیه

از بذل مال و منال در سوق اودوهای عیدیه بختیاری بجانب طهران فروگذاری فرمودند ، چنانچه بواسطه مصارف اردو از قراری که اطلاع یافتیم مبتلای به اعتبار شخصی قرض و صرف این طریق مجامعت اسلامی فرمودند ، و پس از ورود به طهران بهیأ بصیوت هیئت مدیره منتخب و با اکثریت آراء فرقه ایالت فارس بنام ایشان زده شد ، وطن شناسان حقیقی در آن موقع خروج ایشان را از طهران صلاح ندیده ، چنانچه اداره حبلاتین نیز تا تکمیل بر عدم حرکتشان از طهران مجرمانه نمود ، از آن بعد بحکومت طهران منتخب و الحاق حکومتی قانونی و بسیار منظم و مرتب نمودند تا اینکه تلکرافاً اهالی کرمان ایشان را بوکالت مجلس مقدس انتخاب نموده فوراً از خدمات دولتی صرف نظر کرده و بخدمات ملی که وکالت پارلمان باشد اقدام کردند ، ولی اصرار وزرا ایشان را به تکمیل نقیصه کابینه و ادار و وزارت تجارت را قبول کردند ،

اداره حبلاتین پس از اظهار تبریک به آن یگانه دوست مشروطیت اظهار میدارد که خوش وقتی دوستان صمیمی جناب عالی وقتی خواهد بود که ملاحظه نمایند از روی علم و وجدان از انجام اینوظیفه بزرگ که خیلی اهمیت دارد بر آید ، و نظر بر آن اطلاع و حسن ظنی که داریم می توانیم قلب خودرا مطمئن سازیم که جناب معتمد خاقان بهترین وزرای تجارت ایران خواهند بود ، ولی ما درین دوره باین جمله قناعت نتوانیم نمود ، و مترصدیم که این یگانه خدمت گذار وطن و وزارت تجارت ایران را اگر تالی وزارت خانهای تجارت سایر ملل نمایند اقلاً از سایر وزارت خانهای ایران عقب نیوقتنند ، و ما در آینده شرح اقدامات ایشان را در وزارت تجارت مشروحاً خواهیم نگاشت و امیدواریم که دوستان صمیمی ایشان را مایه فخر و مباحات گردیده ، خدمات اولیه شان را مزید انجلاء گردد ،

بنادر با مملکت بی صاحب

(قابل توجه وزارت منافع عامه)

در بندر خیر (۱۴) فرسنگی لشک معدن بزرگه از فلز شبیه به نیکل پیدا شد ، حاج عید الرحمن کاکم بستکی وکیل جهازات کبانی روسی مخیم لشکر

یا شیخ محمد بن شیخ عبداقه ضابط قدیم خیر
بتهو بست کرده ، مخفیاً تا امروز (۶۲۸) بسته تقریباً
هر بسته ۲۰ تن تبریز که (۱۲۰۶۰) تن تبریز باشد
قیمت مقارن (۵۰) هزار تومان در جهاز تجارتن
پوس حمل اودیه نموده ، موجودی و آمدنی نیز
مخفی دارد

(ایضاً)

محمد ابراهیم بوشهری مقیم عباسی تقریباً بقدر
حاج عبدالرحمن کاظم بل زیادتر از راه عباسی حمل
خرنگستان کرده ، در خیر قرار هر من تبریز یک
قران و بیج شاهی از شیخ محمد مرور خریده اند ،
حقیقت انسان وقتی فکر میکند مهوت می شود
خیر مال کیست و متصرفین از کی اجازه دانسته اند
و امتیاز چنین معدن زرخیزی چه وقت از دولت
حاصل کردند ، مگر ندر حیر خودش مستقل است
و در تحت حکم دولت و پارچه از مملکت ایران
نیست ، عجب قانون و عجم منروطه ایست ، در صورت
احتیاج امروزه دولت که هر هردی حسی مثل آفتاب
روشن است ، جنس معدن زرخیزی وقف شکم
پوستان باشد

مکتوب از تسکه

بعد از اجاب (۲۰) نفر اعضای انجمن بلدیہ
دیگر اقداماتی نشده ، و تمام امورات مهمل است بعد
از واقعه قتل عبدالحسین حیدر آبادی سه نفر فقیر
کاسب زرگر در بازار مساح ساعت (۴) از شب در
حالتیکه از دکان خود بخانه میرفتند ، داروچه آنها را
گرفته و بدارالحکومه میرساند ، مکرر استنطاق شده اند
یا حضور نماینده انگلیس ، و بالغ بر (۵۰) روز
است که بدون تقصیر محبوس اند ، نایب الحکومه نیز
خود معترف بر بی گناهی ایشان و مخصوصاً به جناب
دریابگی اطلاع داده ، و منتظر حصول اجازه از
جناب معظم الیه است ، در تمام ممالک عالم اعم
رائی مشروطه یا مستبده شخص مهم و یا مقصر پس
از استنطاق تقصیر یا غیرتقصیر او ثابت و آنچه قانون
است در باره او مجرا میدارند

(لار) حکومت ندارد ، تمام طرق و شوارع ناامن
امکان احدی نیست که از خانه و منزل خود بجای
دیگر آمد و رفت نماید

(گراش) محمد جعفرخان گراشی طایفه (دلوخانی)

که بدزدی معروف اند نزد خود جای داده اموال
مهبوبه برادر وار بین آنها تقسیم می شود ، چند بیوار
از طایفه مزبور بصحرای باغ فرستاده اند که طلائیات
بگیرند ، کلانتر آنچه رئیس علی قلی صرف جواب
داده و مالیهات را موقوف بورود ایالت فارس و
آمدن حکومت لارستان نموده است ، لهذا بین ایشان
کار بزد و خورده کشیده عده تلانات غیر معلوم است
(بستک) محمد قلی خان (۲۴۰) نفر تسکه چی به
قریه (کل) که جمعی محمد باقر خان اشکنانی است
فرستاده از برای کشتن یا گرفتن (ملا عبدالواحد)
نامی با اتباع او کم چندی است از شدت ظلم محمد
تقی خان از حاکم بستک هجرت برقریه (کل) نموده
بعد از ورود (۲۵۰) نفر و امتداد چند ساعت
جنگ ، ۵ یا ۶ نفر از آنها مقتول و مراجعت به
بستک میکنند ، افواه است که عیال (ملا عبدالواحد)
هم کشته شده

(ایضاً) قافله محموله مالالتجاره لاری که از تسکه
به لار و از لار به تسکه می آمده است در بستک
محمد تقی خان ضبط کرده ، بعنوان اینکه در ماه
رمضان ۱۳۲۷ اشرار مهاجین بستک که تمام اموال
بستک غارت و یکصد نفر مقتول و در دمالت نیز
دست اندازی و خرابی کردند ، تحریک لاری ها
بوده هر وقت دولت اقدام در قلع و قمع اشرار و
استرداد اموال مهبوبه نمود من هم این مالالتجاره را
مسترد میدارم و الاخیر ، از طرف تجار لاری
مقیمین تسکه و نایب الحکومه درخواست مرخصی
اموال مزبور از محمد تقی خان کرده اند ، تا امروز
جواب نداده است دو روز قبل تلگراف ذیل از
عباسی وارد و بتوسط نایب الحکومه برای محمدتقی
خان فرستاده شد ، تا چه شود

از طهران به بندر عباس ، جواب نمبر ۲۱ ،
حکومت جلیله بنادر ، تجارلاری مقیمین تسکه تلگرافاً
اظهار کرده اند بیج قافله شتردار و الاغ دار که
حمل آنها قاش و قند و جمعی بوده از تسکه برای
لار حمل می کرده اند بانضمام چهار قافله دیگر که
از لار به تسکه حمل داشته ، در بست و ششم ربیع الاول
محمد تقی خان بستکی گرفته ضبط کرده است همین
تلگراف را برای محمد تقی خان فرستید و حتماً این
مالالتجاره را از او گرفته به تجار رد کرده قبض